

مقالات

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری (مطالعه موردی تاریخ‌نویسی محمود میرزا)

مریم عزیزیان^۱

چکیده

تاریخ‌نویسی ایران در عصر قاجار، حوزه‌ای است که به رغم اهمیت آن، تاکنون مورد پژوهش‌های شایسته و همه‌جانبه‌ای قرار نگرفته است. این خلأ به‌ویژه در مورد تاریخ‌نویسی شاهزادگان قاجاری بیشتر دیده می‌شود. محمود میرزا یکی از این شاهزادگان قاجاری بود که چندین متن تاریخی را به رشته تحریر درآورد. این مقاله قصد دارد علاوه بر شناخت ویژگی‌های تاریخ‌نویسی او در زمینه تکنیک (نقشه) تألیف و هدف تألیف دو کتاب تاریخ صاحب‌قهرانی و اخبار محمدی، جایگاه او را در میان تاریخ‌نویسان دوره نخست قاجاریه و شاهزادگان قاجاری بشناسد. روش این پژوهش بر اساس واکاوی، نحوه چیتش و تنظیم گزارش‌های تاریخی متون محمود میرزا و نیز مقایسه دیباچه‌ها و گزارش‌های آن دو با متون تاریخی معاصر و چند متن از دیگر شاهزادگان قاجار است.

نتیجه نشان داد محمود میرزا در تنظیم دیباچه‌ها، از دو کتاب احسن‌التواریخ ساروی و متأثر سلطانیه دنبلی به یک میزان الگوبرداری کرده است. قصد ظاهری و اولیه محمود میرزا در هر دو متن، نگارش دو اثر تاریخی به سبک و شیوه ساده‌نویسی و به‌دور از مغلط‌نویسی است که چندان موفق نبود. هدف مهم‌تر وی، مشروعیت‌سازی برای خاندان قاجاریه و پادشاه وقت آن، فتح‌علی‌شاه است که این امر به‌ویژه در واکنش نویسنده به شکست سنگین حکومت قاجار از دولت روسیه دیده می‌شود. با این وجود، شیوه‌های مشروعیت‌سازی در این دو متن، متفاوت از هم انجام شده است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نویسی، قاجاریه، فتح‌علی‌شاه، محمود میرزا، اخبار محمدی، تاریخ

۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام از دانشگاه تهران maryam_azizian@ut.ac.ir

صاحبقرانی

مقدمه

تاریخ‌نویسی دوره قاجار به لحاظ کمی و کیفی، تفاوت‌های چشمگیری با دوران پیش از خود داشت. رونق عرصه تاریخ‌نویسی با علایق شخصی پادشاهان قاجار، ضرورت‌ها و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی، اقتدار و تمرکز سیاسی دولت و رویارویی با تمدن غرب، پیوندی محکم داشت.^۱ این عوامل به‌ویژه علاقه فراوان پادشاهان قاجار به تاریخ و تاریخ‌نویسی سبب شد در کنار مورخانی چون محمدتقی ساروی، محمدصادق وقایع‌نگار مروزی و عبدالرزاق بیگ دنبلی که بیشتر منصب منشی‌گری و دبیری در دیوان‌های قاجار داشتند، تعدادی از شاهزادگان قاجاری همانند محمدقلی میرزای ملک‌آرا، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، امام‌قلی میرزا، بهمن‌میرزا و ظل‌السلطان، نیز به تولید آثار تاریخی دست بزنند.^۲

محمودمیرزا، یکی از نخستین شاهزاده‌های قاجاری بود که به تولید آثار تاریخی پرداخت. شناخت تاریخ‌نویسی او، هم جنبه‌هایی از تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری و هم تاریخ‌نویسی دوره اول قاجاریه را روشن می‌سازد. به منظور شناخت ویژگی‌های تاریخ‌نویسی او، ابتدا به بررسی تکنیک نگارش و روش محمودمیرزا در تدوین تاریخ صاحبقرانی و اخبار محمدی پرداخته و سپس سعی می‌شود با واکاوی و تحلیل دیباچه‌ها و اخبار و گزارش‌های دو کتاب و مقایسه آن‌ها با متون هم‌عصر، به هدف تولید این متون دست یافت. یکی از راه‌های شناخت هدف تولید متن، شناخت تولیدکننده آن است؛ به همین دلیل ابتدا نگاهی به زندگی این شاهزاده قاجاری می‌افکنیم.

۱. زیست‌نامه محمودمیرزا

^۱ عباس قدیمی قیداری، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۳، صص ۱۷-۱۳.

^۲ برای اسامی این شاهزاده‌های قاجاری و نمونه‌ای از تاریخ‌نویسی آن‌ها ن.ک. به سیما سالور، «تاریخ‌نویسی شاهزادگان قاجاری، نمونه‌ای از نسب‌نامه ایل قاجار، نمونه‌ای از تاریخ‌نویسی»، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۲، شماره ۷، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۳۱، ۲۴۷.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۱۳

منابع و تحقیقات مختلفی به شرح حال محمود میرزا پرداخته‌اند،^۱ از این رو به جای تفصیل، اشارتی گذرا به آن می‌شود. چهاردهمین^۲ یا پانزدهمین^۳ پسر فتحعلی‌شاه از مریم‌خانم اسرائیلیه به روز سه‌شنبه ۱۲ صفر ۱۲۱۴ ق.، زاده شد^۴ که محمود نام گرفت و چون مادرش، مازندرانی بود، وظیفهٔ تعلیم و تربیت او، به میرزا محمد شفیع مازندرانی - صدراعظم فتحعلی‌شاه - سپرده شد که هشت سال (۸-۱۶ سالگی) طول کشید و شاهزادهٔ جوان در امور دیوانی و کتابت تبحر یافت.^۵ محمود در کنار میرزا شفیع، نزد استادان دیگری همچون عبداللطیف لاریجانی (استاد خط)، ملاحسنعلی مازندرانی (استاد علم اخلاق)، میرزارضای مجوس (استاد ریاضی اقلیدی) و... تلمذ کرد.^۶ شاهزادهٔ جوان در سن ۱۶ سالگی (۱۲۳۰ ق.)، از جانب پدر به حکومت نهاوند منصوب شد^۷ و در آن شهر، در کنار تعلیم خطاطی، خوشنویسی و نیز انواع فنون نظامی چون سپاهی‌گری، تیراندازی، مهارت‌ها و علوم مختلفی مانند نجوم و طب را آموخت؛ اما پس از مدتی با واگذاری حکومت به برادر کوچکترش، جهان‌شاه میرزا، از این منصب کناره گرفت.^۸ اعطای حکم حکومت لرستان به محمود میرزا با ناخوشنودی و رقابت برادر بزرگش،

^۱ برای نمونه ن.ک. به: محمود میرزا قاجار، *تذکره السلاطین*، نسخه خطی به شماره ۷۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص ۲۰۳؛ علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، *اکسیر التواریخ* ص ۲۰۴؛ محمد تقی لسان‌الملک سپهر، *ناسخ التواریخ*، ج ۲ ص ۲۰-۱۹؛ خالندی، انور، «جستاری در نسخه‌خطی تذکره السلاطین محمود میرزا قاجار»، *فصلنامه پیام بهارستان*، سال ۴، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۲۹-۱۱۲۵.

^۲ علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، *اکسیر التواریخ*، ص ۲۰۴.

^۳ میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۲، ص ۹۸۶.

^۴ محمود میرزا قاجار، *تذکره السلاطین*، نسخه خطی به شماره ۷۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۲۰۳.

^۵ محمود میرزا قاجار، *تذکره السلاطین*، نسخه خطی به شماره ۷۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۲۰۲، محمود میرزا قاجار، *سقیه محمود*، ج ۲، ص ۶۹۹؛ میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۲، ص ۹۸۷.

^۶ محمود میرزا قاجار، *سقیه محمود*، ص ح و ط.

^۷ همان، ج ۲، ص ۷۰۰؛ محمود میرزا قاجار، *تذکره السلاطین*، ص ۲۰۷.

^۸ همان، ص ۷۰۲؛ محمود میرزا قاجار، *تذکره السلاطین*، ص ۲۱۰.

حسام‌السلطنه - که حاکم بروجرد و ایل بختیاری بود - مواجه شد. سرانجام در نزاع قدرت، محمود میرزا از حکومت لرستان خلع و به تهران احضار گردید.^۱ او در تهران در دربار نزد فتحعلی‌شاه به سر می‌برد و ظاهراً پادشاه، از رفتار و سلوک او در رنج بود.^۲ این شاهزاده جوان، پس از مرگ شاه و تشییع جنازه‌اش در قم ساکن شد.^۳ محمود میرزا در اختلاف جانشینی میان محمد میرزای ولیعهد و ظل‌السلطان علی‌شاه، از ظل‌السلطان حمایت کرد، از این‌رو، پس از به تخت نشستن محمدشاه، به تهران احضار و بازداشت شد و پس از قتل قائم مقام فراهانی، صدراعظم محمدشاه، به تبریز تبعید و تحت مراقبت حکومتی قرار گرفت.^۴ ظاهراً این شاهزاده تا پایان حیاتش در سال ۱۲۷۱ ق. در این شهر باقی ماند.^۵ با وجود این که این شاهزاده به طرق گوناگون از جمله نگارش کتاب *تاریخ اخبار محمدی* و مدح و ثنای میرزا آقاسی تلاش کرد آزادی خود را به دست آورد، در این راه ناکام ماند.^۶ در مورد ویژگی‌های شخصیتی محمود میرزا قضاوت‌های گوناگون و متضادی شده است؛ در حالی که خاوری شیرازی او را آدمی مغرور، سرمست و پر از نخوت معرفی می‌کند و به دزدی و سرقت ادبی متهم می‌سازد،^۷ اعتضادالسلطنه و بهمن میرزا دیدگاه متعادل‌تری نسبت به او دارند. اعتضادالسلطنه او را فردی عادل و بخشنده می‌داند که کتب زیادی را در علوم گوناگون تصنیف کرده است^۸ و

^۱ محمد تقی لسان‌الملک سپهر، *ناسخ‌التواریخ*، ج ۲، ص ۲۰-۱۹؛ میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۲، ص ۷۲۳.

^۲ قدیمی قیداری، ص ۴۵.

^۳ علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، همان، ص ۲۰۴.

^۴ مهدی بامداد، *شرح رجال ایران*، تلخیص ذبیح‌الله علیزاده اشکوری، ص ۶۶۴.

^۵ محمود میرزا قاجار، *سقیه‌المحمود*، ص یب، به نقل از آقابزرگ طهرانی، بخش سیم، ج ۹، ص ۱۱۱ و ج ۱۲، ص ۱۹۷. در مورد نظرات سال وفات او ن.ک. به: مهدی بامداد، *شرح رجال ایران*، ص ۶۶۴؛ محمود میرزا قاجار،

اخبار محمدی، ص ۲۸۱؛ سیداحمد دیوان‌بیگی شیرازی، *حدیقه الشعراء*، ج ۳، ص ۱۵۹۶.

^۶ محمود میرزا قاجار، *اخبار محمدی*، ص ۲۷۴.

^۷ میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، همان، ج ۲، ص ۹۸۶.

^۸ علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، همان، ص ۲۰۴.

ملاحظاتى در باب تاريخ نويسى شاهزاده‌هاى قاجارى ۱۵

بهمن ميرزا نيز او را به خاطر شيرين زباني، فصاحت و سخن سنجى اش مورد ستايش قرار مى- داد.^۱

۲. آثار محمود ميرزا

محمود ميرزا، از شاهزادگان فاضل، ادب دوست و نويسنده پُرکاري بود که آثار بسيارى را از خود برجاي نهاده است و همان گونه که اعتضادالسلطنه اشاره کرده، اين آثار در زمينه‌هاى مختلفى است که عبارتند از:

الف) زمينه تاريخ:

۱. تذکره السلاطين، یک تاريخ عمومي (حدود ۱۲۴۶ ق.).
۲. مرآت محمدى، تاريخى در مورد وقايع دهه پايانى سلطنت فتحعلي شاه و آغاز سلطنت محمدشاه

۳. مقصودجهان، گزارشى از اوضاع و احوال لرستان و برخى از بدايع آن سرزمين
 ۴. تاريخ صاحبقرانى، در شرح خاندان قاجار (تأليف ۴۹-۱۲۴۸ ق.).
 ۵. اخبار محمدى، یک تاريخ عمومي از هبوط آدم تا سال ۱۲۶۲ ق. (تأليف ۱۲۶۲ ق.).
- ب) زمينه ادبى: که مهم ترين آنان عبارت است از: سفينه المحمود در مورد اشعار فتحعلي شاه و احوال او؛ محمودنامه حکايات و لطايف ادبى پندآموز؛ بيان المحمود در ذکر اشعار فتحعلي شاه و برخى از شاعران معاصرش؛ نصايح مسعود پندنامه‌اى براى پسرش مسعودميرزا؛ پرورده خيال نامه‌هاى وي در موقعيت‌هاى مختلف؛ باده بي‌خمار درباره مى و مى‌خوارگى و اشعارى که شعرا در وصف آن سروده‌اند؛ مېكى العيون بيش از هزار بيت در تعزیه و مرثيه؛ رويای صادق و مجمع المحمود شامل برگزيده‌اى از آثار محمودميرزا که در یک کتاب جمع‌آورى شده‌اند.

ج) زمينه شرح حال نويسى: گلشن محمودى در شرح حال فرزندان فتحعلي شاه و برخى از اشعار آنها؛ نقل مجلس در شرح حال زنان شاعر و نيز برخى از دختران فتحعلي شاه؛ سنبلستان، تذکره‌اى درباره برخى از گفته‌هاى زنان و مخزن المحمود که در کيفيت احوال عرفان است.

^۱ بهمن ميرزا، تذکره محمد شاهى، نسخه خطى ادبيات کتابخانه مرکزى دانشگاه تهران، شماره ۱۰.اب.

د) زمینه مذهبی: کتاب حدیث برخی از احادیث پیامبر و امامان و منتخب‌المحمود در مورد احادیث، اخبار و معجزات پیامبر.

ه) زمینه دیوان اشعار: تحفه شاهی، دیوان اشعار شامل غزلیات که در تمامی آنها فتحعلی‌شاه تخلص کرده است و در‌المحمود که در مورد قصیده و غزل و نیز تعدادی از اشعار خود محمود میرزاست.^۱

از میان آثار ذکرشده محمود میرزا، این مقاله قصد دارد تاریخ‌نگاری وی را در دو اثر تاریخی مشهور وی به نام‌های تاریخ صاحبقرانی و اخبار محمدی مطالعه و تحلیل نماید که هر دو نسخه، خطی بوده و هنوز چاپ نشده‌اند.^۲

به منظور فهم روش و بینش تاریخ‌نگاری محمود میرزا، ابتدا روش او را با مطالعه ویژگی‌های ظاهری و تکنیک دو متن تاریخ صاحبقرانی و اخبار محمدی فهم نموده، سپس به مطالعه ویژگی‌های محتوایی دو متن پرداخته، تا از طریق آن به بینش نویسنده و علت پدید آمدن متون دست یافت.

۳. ویژگی‌های ظاهری و تکنیک تاریخ‌نویسی متون

از آن‌جا که تکنیک و روش محمود میرزا در دو اثر تاریخی‌اش با هم متفاوت است، از این‌رو هر یک از آن‌ها جداگانه بررسی و معرفی می‌شوند.

۱) ویژگی‌های ظاهری و تکنیک متن تاریخ صاحبقرانی (نقشه تألیف):

با مطالعه ویژگی‌های ظاهری این متن، نتایجی حاصل شد که در موارد زیر قابل جمع‌بندی است:

^۱ نادره جلالی، «رسالات محمود میرزا قاجار»، آینه میراث، ش ۱۲، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۱۷.

^۲ این مقاله از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه ملی ایران استفاده کرده است: تاریخ صاحبقرانی، نسخه خطی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به شماره بازیابی ۲۵۳۴ ف و اخبار محمدی، نسخه خطی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که دو نسخه از آن موجود بود: الف) نسخه شماره ۱ به شماره بازیابی: ۱۲۲۹۳-۵ کتابخانه ملی و ب) نسخه شماره ۲ به شماره بازیابی: ۱۰۵۷۸-۵. در این مقاله، به دلیل ناقص بودن متن شماره ۱۲۲۹۳-۵ از نسخه شماره ۲ استفاده شد.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۱۷

• تاریخ صاحب‌قهرانی یک تاریخ سلسله‌ای در مورد خاندان قاجار است. شیوه گردآوری ارائه اطلاعات در این اثر، موضوعی است که شامل دو مجلد است. نویسنده الگوی تقسیم‌بندی و چگونگی چینش فصول کتاب را در دیباچه آن توضیح داده و این سازماندهی و نظم را در سراسر متن به‌خوبی رعایت کرده است. جلد اول در مورد پیشینه خاندان قاجار و حکومت آقامحمدخان تا وفات وی است که بر اساس تقسیم موضوعی و سالشماری گردآوری شده است. جلد دوم که حجم بیشتری را دربردارد شامل دوران حکومت فتحعلی‌شاه تا سال ۱۲۴۸ ق. (یعنی سال تألیف کتاب) است که تقسیم آن نیز سالشمارانه است.

نثر تاریخ صاحب‌قهرانی را باید ادامه مکتب بازگشت که هدفش ساده و روان‌نویسی بود، دانست. تمایلات و تلاش‌های جدیدی که در منشیان و نویسندگان همانند شعرا در دوری از مغلق و پیچیده‌نویسی پدید آمده بود. محمودمیرزا در این اثر تلاش نمود همان‌طور که شاه درخواست کرده بود، کتابی به نثر روان و دور از اصطلاحات دشوار بنویسد.

«... از دیگر مترسلان و منشیان حضور که چند جلد کتاب با الفاظ مغلقه مرتب کرده بودند، رای جهان‌آرا تفضی فرمود و تبرا کرد از جمله ملک‌زادگان و از زمره خوشنویسان. نظر به مرحمت ازلی و محبت جبللی، انجام این خدمت به من بنده مقرر آمد؛ چه این تجربه در دیگر مقررات و مؤلفات مکرر شده و حسن برتری را به نظر انوار طرف رجحان داده بودند.»^۱

با وجود تلاش محمودمیرزا، او نتوانست متنی روان، ساده و در عین حال برخوردار از استحکام ادبی تولید کند. احتمال می‌رود یکی از دلایل این امر، عدم تربیت ادبی شاهزادگان مورخی چون او در دستگاه دیوانی بوده باشد.^۲

• خط نسخه، بسیار عالی و در نهایت دقت و ظرافت و بدون حاشیه نوشته شده است که ظاهراً این امر به خاطر هدف محمودمیرزا در اثبات صلاحیت و شایستگی‌اش به‌عنوان بهترین گزینه از میان درباریان در نگارش یک متن تاریخی مورد پسند شاه صورت گرفته است؛ چرا که شاه اراده کرده بود این کتاب توسط یک ادیب و خوش‌نویس نوشته شود.^۳

^۱ تاریخ صاحب‌قهرانی، خطی، دیباچه.

^۲ برای نمونه نثر شاهزاده مورخ دیگر بنگرید به: سالور، «نسب ایل قاجار»، ص ۲۴۲.

^۳ تاریخ صاحب‌قهرانی، خطی، دیباچه.

- استفاده از اشعار شاعران نظیر حافظ و مولوی خصوصاً صبای کاشانی^۱
- ۲) ویژگی ظاهری و تکنیک متن اخبار محمدی (نقشه تألیف):
با مطالعه ویژگی‌های ظاهری این متن، نتایجی حاصل شد که در موارد زیر قابل جمع‌بندی است:
 - این کتاب، یک تاریخ عمومی محسوب می‌شود که شیوه تنظیم آن براساس سلسله-هاست و تنظیم موضوعی و سالشمار لحاظ نشده است. مطالب سلسله‌ها، به‌طور متوالی پشت سر هم می‌آیند و حتی عنوانی برای بیان شروع دوران‌های تاریخی و حکومت‌ها ندارد. تنها شیوه‌ای که برای تقسیم‌بندی مطالب کتاب استفاده شده، کاربرد یک خط‌کشی بر زیر اسامی شخصیت‌های مهم هر سلسله یا نام‌های انبیا(ع) می‌باشد.
 - با توجه به محتوای کتاب می‌توان ترتیب ارائه اطلاعات و شیوه سازماندهی مطالب نویسنده را در این متن، این‌گونه برشمرد:
 - الف. زندگی آدم و حوا پس از هبوط؛
 - ب. تطبیق تاریخ زمانه انبیاء با شاهان باستانی ایران و حکومت‌های فراعنه مصر و قیصره یونان و روم و ارائه همزمان حوادث تاریخی آن‌ها. شروع این اخبار از زمان حضرت نوح(ع) است که مصادف با شروع سلطنت کیومرث و دولت فراعنه مصر توضیح داده می‌شود^۲ و این تطبیق فقط تا ظهور پیامبر(ص) انجام شده است.
- پ) زندگی پیامبر(ص) ← ث) حکومت‌های عباسی
- ج) سلسله‌های ایرانی در عصر عباس ← د) مغولان و تیموریان
- ه) سلسله صفوی، افشاریه و زندیه ← ر) قاجاریه تا عصر محمدشاه.
- بی‌نظمی در رعایت ترتیب سال‌های حوادث؛ به‌عنوان نمونه گزارش وقایع عهد تیمور از یک نظم منطقی زمانی برخوردار نیست.^۳

^۱ برای نمونه بنگرید به همان، ص ۲۰۵.

^۲ همان، صص ۷۷-۷۸.

^۳ همان، ص ۲۱۳.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۱۹

- برخلاف انتظاری که از محمود میرزا به‌عنوان یک ادیب و شاعر مطرح در میان شاهزاده‌ها و نیز از نثر ساده اما پخته متن *صاحب‌قهرانی* می‌رود، نثر محمود میرزا در این کتاب، هر چند روان‌تر اما بسیار محاوره‌ای، عامیانه و فاقد تعبيرات و اصطلاحات ادبی است. شاید دلیل این تغییر سبک نگارشی، مخاطبان کتاب یعنی عامه مردم بوده باشد.
- به گفته شخص مؤلف، اشعاری که در متن، به مناسبت هر حادثه ذکر شده، سروده خود اوست.
- خط این نسخه نیز برخلاف نسخه *صاحب‌قهرانی*، خطی ادبی نبوده و درجه عامیانه‌ای دارد. دلیل این امر هم به نظر می‌رسد به همان دلیل گفته‌شده در ویژگی نثر کتاب است. از آنجا که خود مؤلف در دیباچه اشاره نمود، وی این کتاب را در زمان عزلت‌ش، نه به دستور شخص خاصی، بلکه برای عبرت دیگران [خاصه عامه مردم] نوشته است. به همین خاطر خط آن نیز عامیانه است.

۴. ویژگی‌های محتوایی تاریخ‌نویسی آثار:

ابتدا محتوای هر یک از دو متن را مورد توجه قرار داده، سپس به مقایسه آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف. تاریخ صاحب‌قهرانی:

– فصول و محتوا: این کتاب شامل یک دیباچه و دو جلد می‌باشد. نویسنده در این متن، پس از بیان نسب ایل قاجار به ذکر وقایع امرای قاجاری تا آقامحمدخان به صورت عناوین موضوعی می‌پردازد. توضیحات مربوط به وقایع قاجاریه از آقامحمدخان به صورت سال‌شمار ارائه می‌شود. ظاهراً نویسنده این کار را به این دلیل انجام می‌دهد که به خواننده بفهماند اگرچه امرای قاجاری پیش از آقامحمدخان نیز به خاطر تأیید الهی سلطان بوده‌اند، اما ذکر سال‌شمار وقایع عصر آقامحمدخان که طبعاً سبب توضیح بیشتر مطالب می‌شود، شروع دوره اصلی و خاص پادشاهی در این خاندان است. جالب آنکه محمود میرزا، سال‌شمار سال‌های سلطنت آقامحمدخان را، نه از تاجگذاری وی در تهران و تأسیس سلسله قاجاری بلکه از سال ۱۱۹۳ ق.، یعنی زمانی که آقامحمدخان بعد فوت کریم‌خان از شیراز به استرآباد آمده و سعی در

گرفتن قدرت دارد، آغاز می‌کند و به نوعی می‌خواهد نشان دهد به تأیید الهی از همان ابتدای کار، برای این خان رسیدن به تخت پادشاهی رقم خورده بود.^۱ جلد اول کتاب با فوت آقامحمدخان و آمدن فتحعلی‌شاه به تهران پایان می‌پذیرد. تاجگذاری فتحعلی‌شاه در ۱۲۱۲ ق.، شروع مباحث جلد دوم کتاب صاحبقرانی است که در حقیقت بخش اصلی و اعظم این کتاب را دربرمی‌گیرد. مؤلف، این بخش وقایع را نسبت به وقایع جلد یک بیشتر بسط می‌دهد.^۲ این قسمت، نیز به صورت سالشمار تمام وقایع و رویدادهایی که در مملکت شاه اتفاق افتاده را تا آغاز بهار سال ۱۲۴۹ ق.، همان سال اتمام کتاب، شرح می‌دهد و در انتها، کتاب را به فتحعلی‌شاه تقدیم می‌نماید.

– منابع مورد استفاده نویسنده: محمودمیرزا در این اثر به غیر از دو مورد، ذکری از منابع مورد استفاده‌اش نیاورده است. یکی از منابع خاطرات فتحعلی‌شاه است که شامل شنیده‌های محمودمیرزا از شاه است و هم آن‌چه شاه از خاطراتش به وی املا کرده است.^۳ بنا به تصریح این شاهزاده، وی تمامی اخبار زمان آقامحمدخان را به نقل از فتحعلی‌شاه در اثرش آورده است.^۴ از این جهت کتاب صاحبقرانی خصوصاً در مورد وقایع عصر آقامحمدخان از ارزش زیادی برخوردار است. مثلاً در ذکر وصیت آقامحمدخان به فتحعلی‌شاه، می‌توان به نگاه و دقت نظر آقامحمدخان به موقعیت حساس فارس پی برد.^۵ منبع دیگر، تاریخ جهانگشای نادری است که نویسنده نام آن را در ذکر وقایع عصر فتحعلی‌خان قاجار آورده و اکثر گزارش‌های این دوره را از این کتاب نقل آورده است.^۶

باوجود آنکه مؤلف تنها به ذکر این منبع پرداخته، اما با مقایسه محتوای این کتاب با کتب اصلی و قدیمی که در باب وقایع مختلف نوشته شده‌اند، درمی‌یابیم که محمودمیرزا در نگارش

^۱ همان، صص ۴۶ – ۱۱.

^۲ همان، صص ۳۲۴ – ۱۱۵.

^۳ اخبار محمدی، خطی، ص ۲۵۸ و نیز تاریخ صاحبقرانی، خطی، ص ۱۶.

^۴ همان.

^۵ همان، صص ۷۹ – ۷۷.

^۶ همان صص ۶ – ۵.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۲۱

اثرش به طور مبسوط و کامل از منابع اصلی و پایه‌زمانه خود استفاده کرده است. این منابع خلاصه‌وار شامل موارد زیر می‌شود: در وقایع مربوط به عصر نادر از تاریخ جهانگشای نادری، وقایع عصر زندیه تا آمدن آقامحمدخان از شیراز به استرآباد از گلشن مراد غفاری، وقایع زمان آقامحمدخان از گفته‌ها و خاطرات پدرش فتحعلی‌شاه قاجار و کتاب مآثر سلطانیه دنبلی، در نگارش وقایع عصر فتحعلی‌شاه تا سال ۱۲۴۱ ق. کتاب مآثر سلطانیه را باید متن پایه و الگوی تاریخ صاحبقرانی در وقایع سال‌های ۱۲۱۲ تا ۱۲۴۱ ق. دانست.

محمود میرزا نه تنها محتوای روایت‌ها و گزارش‌هایش را از این کتاب گرفته، بلکه حتی در تنظیم و فهرست‌بندی مطالب، این متن را الگوی خویش قرار داده است. نگاهی به فهرست دو کتاب این مطلب را تأیید می‌کند. فهرست تاریخ صاحبقرانی در جلد اول آن در بیان وقایع قبل از شروع سلطنت فتحعلی‌شاه متفاوت و حاوی عناوین و توضیحات بیشتر در وقایع این دوره نسبت به مآثر سلطانیه است. مثلاً گزارش‌های دنبلی از وقایع عصر آقامحمدخان، یک‌سوم حجم مطالب صاحبقرانی را نیز ندارد.^۱ از طرف دیگر این مسئله گفته محمود میرزا را در نوشتن وقایع این دوره از زبان فتحعلی‌شاه تأیید می‌کند. اما در مورد وقایع عصر فتحعلی‌شاه، مقایسه فهرست دو کتاب، الگو بودن مآثر سلطانیه را در محتوا و تا میزان زیادی در ترتیب عناوین فهرست‌ها تأیید می‌کند؛^۲ اما تفاوت بارز بین این نسخه با کتاب مآثر در این است که محمود میرزا اخبار و گزارش‌های آن کتاب را خلاصه و مجمل می‌کند و به همین دلیل، برخی عناوین فهرست کتاب دنبلی در صاحبقرانی از بین رفته و تنها خود خبر در متن آورده شده است. هرچند تفاوت تنظیم فهرست بین این دو کتاب، دلیل دیگری نیز دارد که در جای خود به آن اشاره می‌شود.

- بازتاب باورها و اعتقادات شخصی نویسنده در متن که مهم‌ترین آن‌ها در موارد زیر قابل بیان است:

^۱ همان، صص ۱۱۴-۱۱۶؛ دنبلی، مآثر سلطانیه، صص ۴۹-۷۶.

^۲ تاریخ صاحبقرانی، صص ۱۱۵ به بعد نسخه خطی.

- عقاید شیعی نویسنده در قسمت حمدیه دیباچه خود را منعکس می‌نماید. در این‌جا، نویسنده پس از ستایش خدا و نعت رسول(ص) و ائمه(ع)، به مدح مخصوص حضرت علی(ع) می‌پردازد که نشان از احترام وافر نویسنده به این امام است.
- اعتقاد به ظل‌الله بودن و منتخب بودن شاهان از طرف خدا و واجب بودن اطاعت از آنها، به دلیل همین بینش است که وقایع در کل متن شاه محور است و پیرامون شخص شاه چینش می‌شود.^۱
- انتساب شاه قاجار به شخصیت‌ها و پادشاهان باستانی که انعکاس این امر در کاربست القاب و روایت رؤیا و خواب مخصوص پادشاه دیده می‌شود. نویسنده القابی مانند «سلطان جمشیدمرتبت»^۲ برای شخص شاه به کار می‌برد و یا در مواردی سعی دارد ممدوح خود را در اتصال و دنباله شاهان کیانی نشان دهد؛ نظیر اعطای تاج کیانی توسط آقامحمدخان به وی در خواب.^۳
- اعتقاد فراوان به شانس، اقبال و تقدیر که بر تمام کتاب مسلط است. هرچند این باور خاص این نویسنده نیست؛ بلکه تمامی مورخان قدیم به این اصل معتقد بودند. اما از نکات جالب در این اعتقاد این است که نویسنده از تأثیر شانس و اقبال بیشتر از تقدیر سخن گفته است.^۴ به‌عنوان مثال در روایت جنگ‌های خاندان زند، علت شکست مرادخان زند (فرمانده علی‌مرادخان) را «نامرادی طالع» و پیروزی جعفرقلی‌خان را از آن جهت بیان می‌کند که وی «اقبال پادشاهی» داشت.^۵ با وجود این، مؤلف در برخی موارد توانسته است به‌سرعت این باور به‌ظاهر شدید خود را فراموش کند و یا آنها را کمرنگ ببیند و بر توانایی‌های فردی تأکید کند. آنچه در کل کتاب مشاهده می‌شود این است که نویسنده هر جا که از شکست خصوصاً ناکامی ممدوحان خود صحبت می‌کند، ضمن کوتاه کردن توضیح و چگونگی شکست، تأثیر عوامل

^۱ برای نمونه ن.ک. به همان، ص ۳ و نیز ص ۲۵.

^۲ همان، صص ۸۱-۸۲.

^۳ همان، ص ۹۱.

^۴ به‌عنوان نمونه بنگرید به همان، صص ۵، ۱۴، ۷۴ و ۹۷.

^۵ همان، ص ۲۵.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۲۳

بدشانسی و بداقبالی و یا تقدیر را برجسته کرده و علل طبیعی و انسانی را به حاشیه می‌برد؛ اما برعکس در بازخوانی فتوحات و پیروزی‌های ممدوحانش، عوامل شجاعت و توانائی‌های ممدوح را هم‌سطح و هم‌سنگ عوامل اقبال و تقدیر مطرح می‌کند. به‌عنوان نمونه عامل پیروزی فتحعلی‌شاه نه ساله در جنگ با عموی شورشی‌اش در بسطام و یا حرکت موفقیت‌آمیز وی از شیراز به سمت تهران برای جلوس بر تخت شاهی پس از مرگ آقامحمدخان - با وجود تهدیدهایی که در پایتخت در انتظارش بود - را به خاطر عوامل شانسی، تأیید ربانی، تقدیر و اعتماد شاه به بازو و قدرت توانایی خود ذکر کرده است.^۱

- انعکاس حب و بغض‌های نویسنده در بیان رویدادها در ذکر نام اشخاص و یا سلسله‌های قبل از قاجار: در این کتاب، نشانه آشکاری از این حب و بغض‌ها که خود را در قالب کلمات ناسزا و طعن‌آمیز نشان دهد، یافت نمی‌شود. غیر از حب مخصوص محمودمیرزا به سلطنت پدرش که خود را در شاه‌محوری‌شدن متن نشان می‌دهد، این موارد انعکاسی در این اثر نویسنده ندارد. در مورد سلسله‌های قبل از قاجاریه، وی با احترام از تمام سلاطین آن سلسله‌ها یاد می‌کند. فقط در یک مورد، در بیان خبر محاصره اصفهان به دست افغان‌ها در پایان کار صفوی‌ها، مؤلف پس از بیان این خبر که صفویان به پیشنهاد کمک فتحعلی‌خان به آنها اعتنایی نکردند و به وی احترامی نگذاشتند، می‌نویسد بعد این واقعه بود که افغان‌ها اصفهان را گرفته و آن «سادات نادان» را به قتل رساندند^۲ و این لقب را هم به‌خاطر عدم توجه آنها به پیشنهاد خان قاجار می‌داند. محمودمیرزا از نادر با احترام یاد می‌کند و در بیان اخبار زندیه نیز بدون اهانت به آنان، تلویحاً نشان می‌دهد که آنان حق حکومت قاجارها را از آن خود کرده بودند،^۳ از این جهت کتاب وی ارزشمند و دارای اعتبار است.

ب. اخبار محمدی

- محتوای فصول و مباحث نسخه: چنانکه گفته شد متن اخبار محمدی، یک کتاب تاریخ عمومی است که فاقد فهرست، فصل‌بندی و حتی بیان عنوانی بر سر گزارش هر حکومت است

^۱ همان و نیز ص ۹۷.

^۲ همان، ص ۵.

^۳ همان، صص ۶ و ۵۱.

و از تاریخ هبوط آدم و حوا به زمین شروع و تا روزگار معاصر خود یعنی عصر پادشاهی محمدشاه قاجار ادامه می‌یابد. آنچه این متن تاریخ عمومی را از دیگر تواریخ عمومی هم عصر خود جدا می‌کند، ویژگی منحصر به فرد نویسنده‌اش در شیوه خاص زمان‌بندی در ارائه اطلاعات است که در آن زمان‌های تاریخی انبیاء با تاریخ پادشاهان ایرانی و همه حکومت‌ها و شخصیت‌های مهم مصری، یونانی و رومی، یکی و مصادف و معاصر با هم می‌شوند.

ویژگی منحصر به فرد دیگر، تعیین یک مبدأ زمانی ابداعی به‌عنوان دستگاه زمان‌شمار در بیان وقایع تاریخی است؛ که مبدأ آغازین این گاه‌شمار، هبوط آدم به زمین است که به‌عنوان یک دستگاه زمان‌شمار برای کل جهان، در کنار تقویم هجری قمری با مبدأ هجرت رسول‌الله (ص) به مدینه به کار می‌رود. جالب آن‌که نویسنده از این دستگاه تقویمی جدید برای بیان سال‌های وقایع عصر پیامبر (ص) تا بعد فوت پیامبر (ص) استفاده‌ای نکرده است. براساس دستگاه زمان‌شمار ابداعی، تاریخ ولادت پیامبر (ص) مصادف با ۶۱۶۳ سال بعد هبوط می‌شود و ناگهان با هجرت پیامبر به کنار زده می‌شود.^۱ این تفاوت بارز و ابداعی، ناشی از تفاوت دیدگاه معرفت‌شناسانه مورخ اخبار محمدی دارد. با وجود آن‌که دو دستگاه زمان‌شماری مورد استفاده مؤلف، دینی است، اما سعی دارد پیوندی میان تاریخ قبل از اسلام خصوصاً شاهان ایران باستان با زمان انبیا برقرار کند و از این طریق قدمت و شکوه ایران باستان را برجسته نماید تاجایی که شروع اولین حکومت و سلطنت در ایران یعنی پیشدادی را هم عصر زمانه نوح روایت می‌کند.^۲

از دیگر ویژگی‌های محتوایی تاریخ‌نویسی عالم در سطحی بسیار مجمل است. نویسنده، وقایع تاریخ عالم را به‌گونه‌ای بسیار گذرا اشاره کرده است و چون تنها وقایع مهم هر دوره‌ای را از کتب گوناگون رونویسی نموده، دیگر نیازی به بیان همه آن اخبار احساس نمی‌کرده است. ظاهراً همین امر سبب عدم عنوان‌گذاری بر سر روایت مطالب هر سلسله شده است. از این

^۱ اخبار محمدی، صص ۷۷-۷۶ و ۹۵-۹۳.

^۲ همان، ص ۷۷.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۲۵

جهت می‌توان این تاریخ را ادامه تواریخ عمومی مختصر اواخر صفوی دانست؛^۱ اما به خلاف آن‌ها که وقایع معاصر و زمانه خود را شرح و بسط می‌دادند، اخبار محمدی آن وقایع را خلاصه‌وار بیان کرده است.^۲

اخبار محمدی را باید نوع خاص و جدیدی از گونه‌ی تاریخ‌نویسی‌های عمومی مختصر دانست. نویسنده به جای پرداختن به هدف خود (تاریخ‌نویسی برای عبرت)، به داستان‌سرایی در مورد مسایل صدر اسلام پرداخته است.^۳

پس از خواندن این کتاب، بیش از تداعی نام یک تاریخ عمومی، نام یک جنگ تاریخی به ذهن خطور می‌کند؛ چرا که در آن همه انواع و گونه‌های امثله، داستان‌ها و حکایت‌های تاریخی را می‌یابیم که سبب تفنن و سرگرمی خوانندگان می‌شود. علاوه‌براین، حذف بعضی سلسله‌های ایرانی پس از اسلام نظیر صفاریان، آل بویه و سامانیان و نیز توضیح مفصل راجع به برخی شخصیت‌ها نظیر محمود غزنوی از دیگر نکات قابل تأمل در این جنگ تاریخی می‌باشد.^۴

داشتن چندین اشتباه تاریخی از دیگر ویژگی‌های محتوایی این متن است؛ نظیر شکست والریانوس توسط ملک‌شاه،^۵ اشتباه در ذکر سال حکومت تیمور،^۶ و ریشه‌یابی نادرست در معنی برخی کلمات مانند کلمه اردشیر که آن را مرکب از ارد + شیر به معنی «شیر خشمناک» تعریف نموده و یا کلمه ضحاک که آن را «دارنده ده‌عیب»، معنی می‌کند^۷ که این امر، حاکی از حضور نگاه عامیانه در بینش محمود میرزاست.

^۱ برای ویژگی‌های این نوع تواریخ بنگرید به منصور صفت‌گل، «تحول و تکامل تاریخ‌نویسی عمومی در ایران عصر صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۹، شماره ۱۸۸، سال ۱۳۸۷.

^۲ اخبار محمدی، ص ۲۶۲، ۲۷۸.

^۳ همان، ص ۵۸-۱۵۷.

^۴ همان، ص ۲۰۰-۱۹۹.

^۵ همان، ص ۲۱۳.

^۶ همان، ص ۲۳۶.

^۷ همان ص ۷۹-۷۸.

محمود میرزا نیز مانند برخی از مورخان سلف خود، گوشه‌هایی از زندگی شخصی‌اش را در لابه‌لای روایت و گزارش وقایع تاریخی، بیان می‌دارد.^۱

- بروز باورها و اعتقادات: به‌عنوان مثال، در گزارش وقایع دوران خلفای راشدین، روایاتی را در مورد حضرت علی(ع) نقل می‌کند که نشان دهنده برتری او بر دیگر خلفای راشدین باشد.^۲

- انعکاس حب و بغض شخصی نسبت به اشخاص و یا حکومت‌ها: در این کتاب، محمود میرزا برخلاف کتاب تاریخ صاحب‌قرائی، پابندی به اصل بی‌طرفی در تاریخ را رعایت نکرده و حب و بغض‌های خود را آشکارا نشان داده است؛ مثلاً از بابک و زردشت با طعنه سخن گفته و زردشت را گمراه‌کننده خطاب کرده است.^۳ در مورد سلسله‌های قبل قاجاریه نظیر نادر، هر چند او را از نظر جاه و جلال برتر از تیمور برشمرده، اما او را به‌عنوان فردی که قساوت قلب دارد، معرفی و همچنین ضمن توصیف کریم‌خان به شخصیتی کریم و حلیم، خصوصیت فردی و ویژه او را شراب‌خواری، روزه‌خواری و بی‌ایمانی بیان نموده است.^۴ در یک گونه تاریخ‌نویسی عمومی، این شیوه بزرگ‌نمایی و معرفی، که چند صفحه بعد، به بازخوانی تاریخ سلسله قاجاریه اختصاص می‌یابد، به خواننده برتری این خاندان و مبری بودن‌شان از عیب‌های حکومت‌های سلسله‌های پیشین را همچون شیوه‌های تبلیغی یک رسانه همگانی امروزی القا می‌کند.

- منابع مورد استفاده: مؤلف در این کتاب، برخلاف صاحب‌قرائی به ذکر بیشتر منابع مورد استفاده خود اشاره کرده که عبارت‌اند از: در بخش بازخوانی تاریخ امامان از کتاب شیخ صدوق، در بازخوانی تاریخ غزنویان از تاریخ بیهقی و در بیان بیشتر سلسله‌های ما قبل قاجاریه، از متن تاریخ و صاف.^۵

^۱ برای نمونه ن. ک. به: همان ص ۱۴۲، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۷۲ و ۲۸۲.

^۲ همان، صص ۱۳۱-۱۲۷.

^۳ همان، ص ۱۸۲ و ۲۳۴.

^۴ همان، ص ۲۵۲-۲۵۱.

^۵ همان، به ترتیب صص ۱۹۰، ۲۰۴، ۲۲۰.

۵. هدف مؤلف از تأليف دو اثر تاريخى:

با توجه به ويژگى‌هاى محتوايى نسخه‌هاى خطى كه بدان اشاره شد و همچنين دقت و غور در اخبار و گزارش‌هاى مؤلف در ديپاچه و متن و نيز مقايسه اين قسمت‌ها با ديگر متون اين عصر، مى‌توان به هدف و انگيزه مؤلف از پديد آوردن اين متون تاريخى پى برد. آنچه در اين قسمت به‌عنوان مدعاى انگيزه تأليف اين متون مورد بررسى و تحقيق قرار گرفته، اين است كه اساساً به غير از انگيزه مؤلف در ايجاد كتبه به سبك و شيوه ساده‌نويسى و به‌دور از اغلاق - كه در دو متن تأليفى وي مشتركاً دنبال مى‌شود - هدف و انگيزه ديگرى در پس ذهن محمودميرزا قرار دارد و آن عامل مشروعيت‌سازى مجدد براى سلطنت قاجار به خصوصاً براى فتحعلي شاه بوده كه پس از شكست‌هاى آنان در جنگ با روسيه با بحران مشروعيت مواجه شده بودند و البته شيوه‌هاى اين مشروعيت‌سازى در دو اثر تأليفى نويسنده، به‌گونه متفاوتى ظاهر شده است. براى به آزمون گذاشتن اين مدعا سعى شده با بررسى موشكافانه ديپاچه و متن دو نسخه و مقايسه برخى از گزارش‌هاى آن‌ها با روايت‌هاى متون گذشته، معاصر و بعدى آنها، به اين هدف نهفته پى برد.

- مقايسه ديپاچه‌هاى دو اثر تاريخى

چنانچه گفته شد، ديپاچه‌هاى يکى از مهم‌ترين و کلیدی‌ترين قسمت‌هاى يک متن است كه از مطالعه آن‌ها مى‌توان به نکات بسيار سودمندی از جمله عصر و زمانه نويسنده، موقعيت اجتماعى و شغلى نويسنده و بالطبع زمانه وي، هدف مؤلف از نگارش كتاب و اقدامات مؤلف براى مشروعيت‌زاىي ممدوحانى كه درباره آن‌ها مى‌نويسد، پى برد. از آنجا كه ديپاچه متن اخبار محمدى ناقص و افتادگى دارد، لذا در کنار ديپاچه تاريخ صاحبقرانى، از ديپاچه يک اثر ديگر محمودميرزا به نام تذکره السلاطين استفاده شد.^۱

اين شاهزاده قاجارى در تاريخ صاحبقرانى در قسمت محتواى ديپاچه با بيان اينكه موضوع كتاب در مورد احوال افرادى از طايفه قاجار است كه به تأييد خدا شاه شده‌اند، نوع و گونه اصلى مشروعيت‌زاىي اثرش را مشخص مى‌كند. همين مشروعيت‌سازى در قسمت محتواى تذکره السلاطين به گونه‌اى ديگر آورده شده است. مؤلف موضوع اثرش را شاهان ايران تا زمان

^۱ محمودميرزا، تذکره السلاطين، نسخه خطى، كتابخانه ملي جمهوری اسلامی ايران، شماره بازياى ۷۴۱۵.

فتحعلی‌شاه قاجار معرفی کرده که به‌نوعی می‌خواهد حکومت این شاهان را در ادامه سلطنت حکومت‌های ایرانی پیشین بگنجانند.^۱ همچنین در تذکره السلاطین، مؤلف بعد از حمدیه به این مطلب اشاره می‌کند که خدا از بین مردم، اشخاصی را جایگاه برتری اعطا کرده و آن‌ها را پادشاه می‌کند. این نوع دلیل مشروع بودن حکومت قاجاریه عیناً همان دلیل و نوع ذکرشده در صاحب‌قهرانی است.

– مقایسه گزارش‌های متون محمود میرزا با اخبار دیگر متون عصر قاجاری

اکنون به بررسی محتوای گزارش‌های چند خبر و حادثه در آثار تاریخی او با دیگر متون عصر قاجار می‌پردازیم. ملاک انتخاب موضوع خبرها و حوادث، اهمیت خبر و جایگاه آن در میان اخبار مهمی بوده که نویسنده می‌توانسته اهداف تألیفی خود را بیشتر در آن اعمال کند. بر این اساس، دو رویداد مهم یکی **نسب ایل قاجار** و دیگری **جنگ‌های ایران و روس** – به علت اهمیت و تأثیرات بسیار زیاد این جنگ بر کل جامعه – انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در این مقایسه، منابع هم‌عصر محمود میرزا، محدود به دو کتاب **مأثر سلطانیه** به قلم دنبلی و **اکسیرالتواریخ** اثر اعتضادالسلطنه شدند؛ اولی به این دلیل که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منبع در مورد جنگ‌های ایران و روس است و دومی نیز به دلیل آنکه نوشته یک شاهزاده قاجاری است، امکان به‌دست آوردن انگیزه یکسان یا متفاوت وی با شاهزاده مؤلف ما را بهتر فراهم می‌کند.

– مقایسه گزارش مربوط به نسب ایل قاجار

تمامی مورخانی که به ذکر تاریخ ایل قاجار در دوره اول قاجاریه خصوصاً در عصر فتحعلی‌شاه پرداخته‌اند، پیش از بیان وقایع پادشاهی اولین شاه قاجار، آقامحمدخان، به ذکر گذشته و نسب ایل قاجار و رؤسای آن پرداخته‌اند. ذکر نسب ایل قاجار در عنوان بخش اول تمامی این کتب، بلافاصله پس از دیباچه آورده شده است. بی‌تردید سخن از بیان اصل و نسب این طایفه که اکنون بر سرزمین ایران حکومت می‌رانند و پیش از آن جایی در سلسله‌های حکومتی نداشتند و از مشروعیت و حق حکومت برخوردار نبودند، لازم می‌نمود.^۲ از این‌رو،

^۱ همان، دیباچه.

^۲ برای انواع این روایت‌ها بنگرید به اعتضادالسلطنه، **اکسیرالتواریخ**، صص ۹-۷.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۲۹

مطالعه گزارش‌های مربوط به نسب قاجارها، در متون تاریخی این عصر، ما را در یافتن عوامل مشروعیت‌زای حکومت توسط مورخان این دوره - که دوره آغازین حکومت قاجار است - یاری می‌رساند.

یکی از راه‌های مشروعیت‌زایی برای یک حکومت، ارتقا و تقدس بخشیدن به نسب‌نامه اجداد رؤسا و پادشاهان بوده است، به همین دلیل، در اکثر مواقعی که آن اجداد، گمنام و فاقد اعتلا بودند، تغییر در نسب‌نامه با شیوه‌ای متناسب با نگاه جامعه، امری ضروری به نظر می‌رسید که این مسئله برای نسب و اجداد قاجاریان نیز اتفاق افتاد. از این رو، در مورد نسب قاجاریان، روایت‌های مختلف و متضادی از مورخان قاجاری به دست ما رسیده است. اصل این روایات به این برمی‌گردد که نسب این ایل ترک‌زبان به مغولان و یا چنگیز می‌رسد و یا هم‌نژاد تیمور بوده‌اند که نشان‌دهنده این است که در این زمان، هنوز بزرگی و عظمت و مشروعیت چنگیز و تیمور آن‌چنان حفظ شده که نسبت فرزندی و هم‌خونی با آنان، سبب مشروعیت قدرت و حکومت افراد می‌شود. سابقه مشروعیت‌سازی پیوند با تیمور در این دوره را باید در عصر نادر جستجو کرد. البته به دلیل پایین بودن رتبه خانوادگی نادر در ایل افشار، این مشروعیت‌سازی فقط برای شخص نادر انجام شد. در گزارش مربوط به این نوع مشروعیت‌سازی، نادر در کلات، گنج تیمور را در غاری پیدا می‌کند که در کتیبه آن ظهور نادر صاحبقران پیشگویی شده بود.^۱ اما در مورد ایل قاجار، این مشروعیت در مورد خود ایل قاجار و سرزمین آنها در استرآباد ساخته شد.

در این میان، کتابی که روایات مختلف در مورد نسب ایل قاجار را آورده، *اکسیرالتواریخ* (تالیف ۱۲۵۳ ق.) است که در آن، اعتضادالسلطنه سعی نموده اخبار ضعیف و قوی در مورد این مسئله را ذکر کند.^۲ یکی از روایاتی که وی آن را ضعیف می‌شمارد، روایت دنبلی در *مآثر سلطانیه* است. با توجه به آنکه این کتاب قبل از متون محمودمیرزا نگاشته شده، به‌عنوان گزارش یک اثر قاجاری در این زمینه، نگاهی کوتاه به آن می‌اندازیم. روایت دنبلی فاقد نظم در

^۱ شعله ای. کوبین، *تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی*، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

^۲ اعتضادالسلطنه، *اکسیرالتواریخ*، صص ۱۰-۷.

بیان شروع و اصل پیشینه ایل قاجار و ترتیب اجداد بزرگ ایل قبیله است. وی یک بار جلایر را جزء یکی از سه طایفه قاجار و بار دیگر ایل قاجار را یکی از طوایف جلایر می‌داند، اما بیشتر بر نسب جلایری قاجارهای هم‌عصرش تأکید می‌کند.^۱ دنبلی تلاش می‌کند رابطه نزدیک جد اعلاّی جلایر و قاجار را با چنگیزخان و جانشینانش نشان دهد و اثبات نماید که او و پسرانش، اتابکان برخی از شاهان مغول بوده‌اند. بنا به خوانش وی، بعدها با افول قدرت مغولان، شیخ حسن نویان و پسرش اویس از جلایری‌ها که [در این زمان] با سلطان غازان و محمد خدابنده خویشاوند بودند، به سلطنت رسیدند. در پایان، دنبلی به کوچاندن این ایل به گنجه، ایروان و مرو توسط شاه عباس صفوی اشاره می‌کند.^۲ در این گزارش هدف دنبلی به غیر از ایجاد یک مشروعیت چنگیزی-مغولی برای قاجاریان، نشان دادن این است که استرآباد از دوره چنگیز به بعد، تخت‌گاه جلایر بوده است و همچنین نشان دهد که زمان به سلطنت و قدرت رسیدن این طایفه در ایران، نه در زمان آقامحمدخان، بلکه به سده‌های پیش به هنگام افول مغولان در زمان شیخ حسن نویان بازمی‌گردد. با این مقدمه، تلاش‌های قاجاریه از زمان فتحعلی‌خان قاجار به بعد برای کسب قدرت در ایران مشروع و برحق جلوه داده می‌شود.

اکنون به کتب محمودمیرزا توجه می‌کنیم تا ببینیم او به‌عنوان فرزند شاه قاجار، نسب و جد خود را چگونه بازنمایی می‌کند. بر اساس شیوهٔ مجمل‌نویسی محمودمیرزا در *اخبار محمدی*، انتظار می‌رفت گزارش نسب ایل قاجار در این متن، از یکی دو سطر تجاوز نماید؛ اما بر خلاف انتظار، گزارش مبسوطی از این خبر در این متن روایت شده و همچنین برخلاف شیوهٔ معمول نویسندگان، این خبر را در *تاریخ صاحبقرانی*، بسیار مجمل و خلاصه بازنمایی نموده است. ابتدا به گزارش شاهزاده در *تاریخ صاحبقرانی* نظری بیفکنیم.

محمودمیرزا بدون بیان اختلاف نظر مورخان در مورد نسب ایل قاجار، نسب آنان را اتراک ترکستان دانسته و سپس بدون اشاره به این که چرا آنها در روم بوده‌اند، می‌نویسد آنها به دلیل بعضی انقلاب‌ها و حوادث در زمان سلاطین صفوی به ایران آمده و شاه عباس صفوی به

^۱ دنبلی، *مآثر سلطانیه*، صص ۳۱-۳۲.

^۲ همان، صص ۳۲-۳۳.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۳۱

خاطر استیلای آنها بر آذربایجان، آنها را به گنجه، ایروان و مرو استرآباد کوچاند^۱ و به خاطر زیادی خوانین و امرای این طایفه، او تنها به ذکر وقایع امرایی می‌پردازد که به «تأییدات خدا در دنیا بزرگ و پادشاه بودند...»^۲ از جمله این امرای خوانین، فتحعلی‌خان قاجار، محمدحسن‌خان، محمدحسین‌خان، حسینقلی‌خان و آقامحمدخان بوده‌اند.^۳

آنچه از این گزارش استنباط می‌شود: ۱- محمود میرزا در جهت ایجاد مشروعیت تیموری یا چنگیزی برای قاجاریه اقدام نکرده است. ۲- برخلاف نظر بسیاری از مورخان، ایل قاجار از ابتدا در استرآباد ساکن نبوده‌اند. ۳- اگرچه محمود میرزا در پی مشروعیت‌سازی برای قاجاریه از طریق پیوند آنها با مغولان و چنگیز نیست، اما در همین جا سریعاً عامل حق حکومت قاجاریه را تأییدات الهی معرفی می‌کند و اسامی امرایی را که حق حکومت و رأی سلطانی دارند، نه از نام آقامحمدخان بلکه از نام فتحعلی‌خان، یعنی نخستین فعالیت قاجارها برای بسط و توسعه قدرتشان، آغاز می‌کند و به نوعی، به فعالیت‌های سیاسی قاجاریان از زمان فتحعلی‌خان در دوره تهماسب دوم صفوی و سلطه افغانه و همچنین در عصر زندیه تا آقامحمدخان، مشروعیت می‌دهد. درحقیقت قصد محمود میرزا این است که نشان دهد به تأیید الهی، فتحعلی‌خان در زمره امرای بوده و با همین تأیید و نظر الهی بوده است که آقامحمدخان قدرت را از خاندان زندیه بیرون آورد. به نظر می‌آید به خاطر تأکید این شاهزاده بر این نظر - که در جاهای دیگر آثارش نیز به خوبی مشهود است - او از نادرشاه و کریم‌خان با لقب غاصب نام نمی‌برد یا از آنها بدگویی نمی‌کند.

گزارش نسب ایل قاجار در کتاب *خبر محمدی* کاملاً متفاوت از *تاریخ صاحبقرانی* است. ابتدا گزارش این کتاب را آورده و سپس تجزیه می‌نمایم.

«طایفه ایل قاجار ترکند و از اولاد چنگیز قاجار زبان و اصطلاح مغول مال و حشم دارد. گویند در آغاز دولت تیمور، قاجارخان و پدر او به معاونت و استمداد او برآمد بعد از استقلال و استقرار امیر تیمور جانب‌داری و رعایت احوال آن طایفه جلیلاه را مغتنم و مقدم شمرد و رعایت

^۱ تاریخ صاحبقرانی، ص ۲.

^۲ همان.

^۳ همان.

احوال آنها را نمود. به رضا و خواهش آنها، ولایت گرگان زمین و مرو را به مرتع به آنها داده، [آنها] از بلاد خود حرکت، در آنجا متوقف [شدند]، به مرور دهور، در گنجه و ایروان و فزوین و مرو ساکن شدند و در استرآباد نیز بودند [و] همیشه از بزرگان و خوانین و امرای ایران [و] توران محسوب [می‌شدند]. شاه عباس ماضی، جمعیت آنها را از یکدیگر متفرق به حدود و معروض کوچانده در بدایت حال، اجماع و اجتماع آن اختران برج اقبال زیاد از گنجه و مرو نبودند. از روزگار شاه طهماسب که نواب فتحعلی‌خان داعیه سلطنت کرده و مقتول شد نواب محمدحسن خان به خلف ایشان در ظهور زندیه، عراق، فارس، گیلان و مازنداران را با استرآباد مالک گشت.^۱ و ادامه می‌دهد که پس از کشته شدن محمدحسن خان و فوت کریم خان، آغامحمدخان به استرآباد آمده و پس از قطع و قمع طایفه زندیه، قدرت را به خاندان قاجار بازگرداند.^۲

براساس این گزارش، محمودمیرزا تاریخ ایل قاجار را از ابتدا تا پیش از زمان فتحعلی‌خان، به سه دوره طولانی تقسیم می‌نماید تا نسب آنها روشن گردد. این گزارش برخلاف گزارش دنبلی منظم است و شامل:

۱- دوره مغولان؛ شاهزاده قاجاری با بیان این‌که چنگیز جد طایفه قاجار است و نام قاجار به زبان و اصطلاح مغول یعنی ایلی که مال و حشم دارد و این معنا را در خود داشته که یک طایفه کم‌اهمیت از نسل چنگیز نبوده‌اند، سعی در ایجاد مشروعیت چنگیزی برای این ایل دارد.^۳

۲- دوره تیموری؛ جد و نیای این طایفه، قاجارخان به همراه پسرانش، به تیمور در رسیدن به قدرت کمک کرده بودند. به همین علت تیمور پس از رسیدن به قدرت این طایفه را محترم شمرده و سعی کرد به زحماتشان پاسخ دهد و به خواهش آنها، ولایت گرگان و مرو را به‌عنوان تیول به آنان بخشید. این طایفه نیز از ماوراءالنهر به این مناطق مهاجرت کرده و به‌مرور بر تعدادشان افزوده شد و در مناطق مختلف شمال ایران از جمله استرآباد ساکن شدند.

^۱ اخیار محمدی، صص ۶۳-۶۲.

^۲ همان، ص ۲۶۳.

^۳ همان، صص ۶۳-۶۲.

در این دوره دوم است که طایفه قاجار وارد فعالیت سیاسی می‌شود و تلاششان برای کسب قدرت و حکومت به خاطر ارتباط قاجارخان و پسرانش با تیمور و همراهی و پیوند با او، کاملاً محق و درست است و چون ولایت مناطق شمالی ایران از جمله استرآباد از طرف تیمور به آنها داده شد، ملک مشروع موروثی آنهاست. محمود میرزا براساس این روایت کوشش می‌کند که آغاز فعالیت‌های سیاسی قاجار را به زمان بسیار قدیمی‌تر از عصر خود بازگرداند. نیز، یک مشروعیت تیموری هم به دلیل پیوند سیاسی جد قاجاریه با تیمور و هم اعطای تیول موروثی مناطقی از شمال ایران از طرف تیمور به آنها ایجاد کند. ملاحظه شود که این بخش گزارش محمود میرزا یادآور برخی گزارش‌های مورخان عصر صفوی در ایجاد پیوند تیمور با جد صفویان و وقف‌نامه تیمور به آنهاست. در اینجا نویسنده همچنین سعی دارد دوباره نشان دهد که این طایفه در این دوره از امرای قدرتمند ایران و توران بوده‌اند.^۱

۳- دوره صفویان؛ نویسنده پس از اشاره به کوچاندن و متفرق کردن این ایل توسط عباس میرزا، شروع دوم فعالیت سیاسی این طایفه را در ریاست ایل فتحعلی‌خان مصادف با زمان سلطه افغانه و سقوط صفویه معرفی می‌کند که این خان داعیه سلطنت کرد؛ اما مقتول شد و پس از او، فرزندش در عهد زندیه توانست قسمت‌های شمالی و مرکزی ایران را استرداد و مالک شود.^۲ محمود میرزا از بازخوانی این دوره قصد دارد: الف) دوباره نشان دهد که داعیه سلطنت قاجاریه به زمان آقامحمدخان بر نمی‌گردد؛ بلکه پیش از آن توسط جدش برای گرفتن سرزمین‌هایی که تیول موروثی آنها بوده مطرح شده و این ادعا مشروع بوده است؛ ب) هدف فتحعلی‌خان را فرزندش محمدحسن دنبال می‌کند و برای مدتی در عهد زندیه این سرزمین‌ها را بدست می‌آورد؛ اما مرگ زودهنگام او مانع رسیدن قاجاریه به حق خود می‌شود؛ ج) با وجود این، فعالیت قاجارها برای گرفتن حق خود قطع نمی‌شود و سرانجام با آقامحمدخان به هدف و حق خود یعنی حکومت نایل می‌شوند.

چنانکه ملاحظه می‌شود گزارش‌های دو کتاب در باب نسب ایل قاجار با وجود آنکه یک نویسنده مشترک دارند، با هم متفاوت است. در تاریخ صاحب‌قهرانی، هدف ایجاد نوعی

^۱ همان.

^۲ همان.

۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

مشروعیت الهی برای خاندان قاجاریه است؛^۱ اما در *اخبار محمدی*، اصل و اساس هدف بر پایه ایجاد مشروعیت چنگیزی و تیموری قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ریشه‌های این تفاوت را باید در قصد و اهداف متفاوت نگارش دو کتاب جستجو کرد.

بر خلاف *صاحبقرانی* که به دستور دربار شاه نوشته شده بود، در مورد *اخبار محمدی*، محمود میرزا یادآور می‌شود که او در زمان انزوا و عزلت‌نشینی، به مطالعه تواریخ پرداخته و نکات و اخبار عبرت‌آمیز را استخراج کرده بود و بعدها تصمیم می‌گیرد آن اخبار را برای عبرت خوانندگان بنویسد و با هدف نقل اخبار کتابش در مجالس و هم‌نشینی‌های شبانه، چاشنی اختصار و عبرت‌آمیزی را در این کتاب رعایت می‌کند. به نظر می‌رسد محمود میرزا آرزو داشت کتابش موقعیتی شبیه به شاهنامه پیدا کند که داستان‌های آن در مکان‌های مختلف از جمله قهوه‌خانه خوانده شود. این نظر، زمانی بیشتر تقویت می‌شود که مشاهده می‌کنیم محمود میرزا در دیباچه از خواننده کتابش تقاضا می‌کند که در زمان نقل خبر از *اخبار محمدی*، نام کتاب و نویسنده را بیاورد که نتیجه مستقیم آن، افزایش شهرت کتاب و نویسنده است. بر این اساس، و نیز دقت در محتوای اثر درمی‌یابیم که این متن بیش از آن‌که یک کتاب تاریخ عمومی باشد، یک جنگ تاریخی حاوی داستان‌هایی جالب و غریب از انبیا(ع)، شاهان و بزرگان است.

^۱ شایان ذکر است که در این اثر تنها در یک مورد محمود میرزا قصد دارد میان حکومت شاهان قاجار با حکومت‌های ایران باستان پیوند برقرار کند و آن زمانی است که فتحعلی‌شاه، پس از مرگ آقامحمدخان و پیش از آنکه در تهران تاجگذاری کند، خواب می‌بیند که آقامحمدخان او را به پیروزی با دشمن بشارت داده و با هزار مهربانی، کلاه کیانی را - که سفرای تارک سلطانی بود - از سر خود برداشته بر فرق فرقدان‌سای ظل‌اللهی نهاده...» (*تاریخ صاحبقرانی*، خطی، ص ۱۰۳). از این روایت، چندین استنباط دریافت می‌شود: ۱. رویای خواب در پاسخ به مدعیان سلطنت فتحعلی‌شاه، از جمله صادق‌خان شقاقی گزارش می‌شود. ۲. همانند گزارش‌های رؤیاهای متون عصر صفوی، تاج وجود دارد؛ اما برخلاف آن‌ها که جد شاه آن رویا را می‌بیند، خود شاه آن را مشاهده نموده و همچنین آن‌چنان واضح است که نیاز به تعبیر ندارد. ۳. مشروعیت سلطنت آقامحمدخان مفروض گرفته شده و آن را به فتحعلی می‌دهد. ۴. این رویا در جهت ایجاد مشروعیت نه برای سلاطین قاجاری، بلکه تنها برای یک شاه تولید می‌شود تا بتواند حقانیت او را برای شاهی که فرزند ندارد، در برابر مدعیان ثابت کند.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۳۵

از طرف دیگر نویسنده قصد دارد تاریخ حوادث سلاطین قاجار از آغاز تا عصر خود را، حلقه‌ای از حلقه‌های زنجیره شاهان ایران از دوران باستان تا عصر خود معرفی کند. پس به‌ناگزیر باید شواهد و دلایل خود را برای این اتصال و زنجیره نشان دهد. در اینجا توسل صرف به تأیید الهی کفایت نمی‌کند؛ پس مؤلف در بازخوانی خود از نسب ایل قاجار به بیان پیوندهای مشروعیت‌زای این خاندان با چنگیز و تیمور می‌پردازد و احتمالاً در این بازنویسی، به روایت‌های مورخان عصر صفوی نیز توجه کرده است؛ همچنان‌که از شیوه مشروعیت‌سازی دیگر مورخان عصر قاجار نظیر دنبلی، با بازنویسی متفاوت‌تری، گریه برداری کرده است.

– مقایسه گزارش‌های جنگ‌های ایران و روس

در این قسمت تلاش شده با مطالعه گزارش کتاب‌های محمود میرزا درمورد یک حادثه معاصرش، ابتدا با یک متن الگوی معاصرش و سپس یکی از متون شاهزادگان بعد از وی، دیدگاه محمود میرزا را درمورد وقایع معاصرش و نیز بینش تاریخ‌نویسی او فهم شود، تا در عین حال، به این نکته پی برده شود که آیا مؤلف در نگارش وقایع هم‌عصرش مشاهدات عینی خود را نوشته یا از یک متن دیگر گریه برداری کرده است و همچنین آیا اثر او به‌عنوان نخستین متون شاهزادگان قاجاری در گزارش‌های متون شاهزادگان بعد از خودش اثرگذار بوده است؟

از میان حوادث زمانه مؤلف، گزارش جنگ‌های اول ایران و روس به دلیل اهمیت و تاثیرگذاری فراوان این حادثه بر جریان‌های تاریخی زمانه خود انتخاب گردید. متن منتخب از میان آثار هم‌دوره و معاصر کتب محمود میرزا، متن *مآثر سلطانیه عبدالرزاق مفتون دنبلی* است. انتخاب این متن از این جهت بود که دنبلی نخستین مورخی است که گزارش کاملی از دور نخست جنگ‌های ایران و روس ارائه داده است؛ چرا که در تمام این جنگ‌ها از ملازمان عباس میرزا بود.^۱ اطلاعات و گزارش‌های مفصل دنبلی، هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوا، اساس کار مورخان بعدی که اخبار و حوادث جنگ‌های اول ایران و روس را می‌نوشتند، قرار گرفت. اهمیت این اثر در باب جنگ‌های مذکور باعث شد که علاوه بر چاپ

^۱ ن.ک. به درآمد مصحح کتاب دنبلی، *مآثر سلطانیه*، به تصحیح زرگری‌نژاد، صص ۹ و ۲۱.

سنگی کتاب به دستور عباس میرزا در ۱۲۴۱ ق. در تبریز،^۱ سرهارفورد جونز انگلیسی مبادرت به ترجمه این اثر به زبان انگلیسی کند.^۲ کتاب بعدی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، *اکسیرالتواریخ* است که آن را یکی از فرزندان فتحعلی شاه به نام علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه در دوره محمدشاه در فاصله سال‌های ۱۲۵۹-۱۲۵۳ ق. تألیف کرده است. از آنجایی که این کتاب در دوره بعد از محمود میرزا نگاشته شده، برای یافتن تفاوت‌ها، تشابه‌ها و احتمالاً الگوهای مشترک نگارشی-محتوایی این متون مفید خواهد بود.

به این دلیل که دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ق.) ده سال به طول انجامید، امکان مقایسه تمامی اخبار این ده سال بین این کتب در یک مقاله وجود ندارد؛ از این-رو به‌عنوان نمونه، وقایع دومین سال جنگ (۱۲۲۰ ق.) و وقایع سال‌های پایانی جنگ اول (۱۲۲۷-۱۲۲۸ ق.) که به امضای قرارداد مهم گلستان (شوال ۱۲۲۸ ق.) منتهی شد، برای مقایسه انتخاب گردیده است.

لازم به ذکر است که از آنجا که اخبار مؤلف در کتاب *اخبار محمدی* در مورد حوادث بسیار کوتاه، در حد دو سه سطر بیشتر نیست، لذا به ذکر این خبر به صورت جداگانه و بدون مقایسه آن با دیگر منابع می‌پردازیم. در مورد این جنگ‌ها محمود میرزا پس از بیان دستگیری نادرقلی میرزا در مشهد، این خبر را می‌آورد که فتحعلی شاه، عباس میرزا را به آذربایجان فرستاد؛ چراکه در این زمان به اغوای والیان تفلیس، لشکری از پادشاه روس به سرحدات تفلیس رسیده بود و در کنار آن عده‌ای از خوانین آذربایجان نیز بر آشوب منطقه افزوده بودند. در اغلب اوقات، میان سپاه ایران و روس جنگ بود. سپس نویسنده با ذکر این نکته که مردم تبریز، سربازانی جهادگر مانند شیر و دارای قدرت زیادی هستند، صحبت از جنگ‌ها را رها کرده و با ذکر نام محمدشاه به‌عنوان یکی از فرزندان باهنر تبریز به بیان مبحث بعدی خود یعنی اولاد فتحعلی شاه می‌پردازد.^۳

^۱ زرگری نژاد، «خاوری شیرازی و تثبیت مکتب تاریخ‌نویسی استرآبادی»، *مجله تاریخ: ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال دوم، شماره یکم، سال ۱۳۸۰، ص ۲۱۶.

^۲ *اخبار محمدی*، ص ۲۶۵.

^۳ همان.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۳۷

چنانکه مشاهده می‌شود این خیر قابل مقایسه با گزارش‌های دیگر منابع نیست و در خصوص آن، فقط ذکر این نکته لازم است که به نظر می‌رسد سکوت محمودمیرزا در مورد شکست‌های ایران از دولت کافر روسیه و بستن قراردادهای ننگین در یک تاریخ عمومی، عامدانه و به این نیت است که وی قصد دارد جایگاه و ارزش شاه قاجار را در میان دیگر شاهان پایین نیاورد؛ چراکه خوانندگان این تاریخ، به‌طور ناخودآگاه و ذهنی وقایع عصر هر شاهی را با شاهان پیشین آن مقایسه می‌کنند.

در مقایسه اخبار تاریخ صاحبقرانی با مآثر سلطانیه دنبلی باید گفت که گزارش‌های تاریخ صاحبقرانی در مورد این جنگ‌ها، همان گزارش‌ها و روایت‌های دنبلی است، با این تفاوت که محمودمیرزا اخبار و حوادث را خلاصه‌تر بیان کرده است و مانند دنبلی شرح مفصلی از حوادث ارائه نمی‌دهد. البته این خلاصه‌گویی سبب شده نظم روایت حادثه از بین رفته و به‌صورت منقطع و گاه بریده‌بریده بیان شود که سبب ابهام در فهم روایت‌ها می‌شود. نگاهی به فهرست وقایع سال‌های ۱۲۲۷ و ۱۲۲۸ ق. در هر کتاب، میزان تفاوت‌ها و تشابه‌های محمودمیرزا و کتاب دنبلی را بیشتر آشکار می‌کند:

جدول شماره ۱: فهرست مآثرالسلطانیه دنبلی و تاریخ صاحبقرانی محمودمیرزا از سال‌های پایانی جنگ ایران و روس

ص	سال ۱۲۲۷ ق.	ص	رسیدن نوروز سال فرخنده‌فال ۱۲۲۷ ق.
۱۸۰		۳۷۳	
ص	مأمور شدن سرداران روسی متوقف به سرحدات ایران	ص	ذکر ورود آیات سلطانی به چمن سلطانیه و سایر حالات
۱۸۰		۳۷۵	
ص	- بیان کار عبدالله پاشا و عبدالرحمن پاشای بابان	ص	ذکر تصرف لنکران و ارکوان طالش و قرار مصطفی خان به گاو‌میش
۱۸۱		۳۸۱	
ص	- بیان سرکشی نواب محمدعلی میرزا به بغداد	ص	بیان مکالماتی چند که امنای دولت را با سردار روسیه اتفاق افتاده
۱۸۱		۳۸۸	
ص	- ذکر اصلاندوز	ص	شرح قضیه اصلاندوز و وقایعی که روی نمود
۱۸۲		۳۹۲	
	ایام خجسته فرجام سال ۱۲۲۸ ق.	ص	ذکر وقایع بعد از ورود به تبریز

۳۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

		۳۹۹	و موجبات سعادت آیات و حوادث طالش سال ۱۲۲۸ ق.
ص ۱۸۴	-بیان احوال خواجه کاشغر	ص ۴۰۳	-مأمور شدن شاهزادگان در مقدمهٔ موکب انجم شکوه به آذربایجان
ص ۱۸۶	-بیان حرکت پادشاهی به سمت اوجان	ص ۴۰۶	-اطلاع یافتن سردار روسی از ورود موکب شاهی به چم اوجان
ص ۱۸۷	-در مخالفت امرای خراسان و نفاق آرای آنان در انهدام	ص ۴۰۹	-ورود موکب اعلیٰ حضرت شاهی به دارالسلطنه تبریز و بیان التفات‌های شایان حضرت به اهالی آنجا
ص ۱۸۹	-بیان عزیمت خوش بیلاق و حدود خراسان	ص ۴۱۰	-ذکر ظهور فتنه خواجه محمد کاشغری و اختتام کار او به اتمام لشکر سلطانی
ص ۱۹۰	-حرکت اسماعیل سردار با کامران میرزای افغان	ص ۴۱۲	-بیان بعضی از قواعد ملکی و نظام سپاه و عزم نواب نایب‌السلطنه به دارالخلافه طهران و مراجعت به مرکز
ص ۱۹۱	-بیان ورود محمدرحیم خان، والی ولایت اورگنج به سرحدات خراسان و استرآباد	ص ۴۱۳	-مرخص شدن سرگور اوزلی بردنت، ایلچی بزرگ دولت انگلیس از دربار سلطانی
ص ۱۹۲	-بیان عزیمت قم و کاشان از طهران از برای تفرج و صید به مسئله تشریف‌فرمایی از آنجا		--
ص ۱۹۳	-ذکر تعیین سرداران خراسان		--

در مقایسه فهرست‌ها در ابتدای امر چنین به نظر می‌آید که مطالب و محتوای دو اثر تفاوت‌های

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۳۹

زیادی با هم دارد؛ اما پس از مقایسه روشن می‌شود که مطالب کتاب صاحبقرانی خلاصه گزارش‌های دنبلی است و تنها گاه تفاوت‌هایی مختصر و ناچیز دیده می‌شود.

اکنون به محتوای دو متن در بیان حوادث مربوط به جنگ‌های ایران و روس در این سال‌ها نگاهی بیاندازیم. در ابتدای سال ۱۲۲۷ ق.، محمودمیرزا به درخواست روسیه با وساطت انگلیس از ایران مبنی بر آتش‌بس بین دو کشور و قبول آن از طرف ایران - با گذاشتن این شرط که لشکرکشی سپاه عباس‌میرزا در دفع شورش یگان از قاعده آتش‌بس جنگ استثناء باشد - اشاره می‌کند. البته او در اینجا برخلاف دنبلی اشاره‌ای به چرایی درخواست صلح از طرف روسیه به خاطر جنگ این دولت با فرانسه نمی‌کند.^۱ در ادامه، محمودمیرزا بدون هیچ سخنی از پاسخ مثبت یا منفی دولت ایران به درخواست روسیه، به ذکر وقایع ایران و عثمانی و مسایل سلیمانیه میان دو کشور می‌پردازد.^۲ اما دنبلی، به چهل روز متارکه جنگ اشاره کرده و می‌نویسد پس از این مدت، روتیشچف، ژنرال روسی حاضر نشد به قرار محل مذاکره بین دو دولت در آق‌تپه برود و از طرف دیگر به عباس‌میرزا پیغام فرستاد که اگر وارد مذاکره شود، هیچ اختیاری از جانب امپراتور روسیه برای انعقاد قرارداد با دولت ایران را ندارد. با اصرار او و تلاش سرگور اوزلی انگلیسی، برای گرفتن رضایت از عباس‌میرزا مبنی بر ترک محل مذاکره، سرانجام محل قرار را به اصلاندوز تغییر دادند و در ۲ شوال ۱۲۲۷ ق.، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام با بارون حق ویردوف مذاکره کرد؛ اما به خاطر ادعاهای نامعقول روس‌ها به نیت آنان برای وقت‌کشی و عدم تمایل روس‌ها به انجام صلح با ایران واقف شد و نتوانست وی را برای یک صلح مورد وفاق طرفین راضی کند.^۳

محمودمیرزا در مورد حادثه شکست اصلاندوز، تنها به این مسئله اشاره می‌کند که عباس‌میرزا به خاطر آتش‌بس و صلح با دولت روسیه، غافلگیر شد و روس‌ها به طالش حمله کردند و سپاه ایران که آمادگی قبلی شیبخون را نداشت، شکست خورد.^۴ اما توصیف مآثر

^۱ تاریخ صاحبقرانی، خطی، صص ۱۸۱-۱۸۰ و دنبلی، مآثر سلطانی، صص ۷۴-۳۷۳.

^۲ تاریخ صاحبقرانی، صص ۸۲-۱۸۱.

^۳ دنبلی، مآثر سلطانی، صص ۹۲-۳۸۸.

^۴ تاریخ صاحبقرانی، صص ۸۳-۱۸۲.

۴۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

دنبلی از این حادثه بسیار مفصل‌تر است و متفاوت از محمودمیرزا، عامل شکست نایب‌السلطنه را تقدیر، قضای آسمانی و تاثیر سعد و نحس ستارگان بر بروز بلایا می‌داند.^۱ شاهزاده قاجار در توضیح وقایع ۱۲۲۸ ق، ابتدا به شرح احوال فتنه کاشغر در استرآباد و خراسان پرداخته است؛ درحالی‌که دنبلی این تیترو خبر مربوط به آن را در میانه فهرست این سال ذکر کرده است. همچنین دنبلی در توصیف کاشغری از او به طعنه و بدنامی یاد می‌کند؛ درحالی‌که محمودمیرزا فقط از چگونگی ظهور او صحبت کرده است.^۲ علت این امر هم به این خاطر بود که دنبلی فتنه او را در این سال به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد فشار معرفی می‌کند که سبب شد فتحعلی‌شاه پیشنهاد صلح را از دولت انگلیس و روس بپذیرد.^۳ آنچه در این میان بسیار عجیب به نظر می‌رسد گزارش محمودمیرزا از روند جریان صلح با روسیه است که بسیار مختصر بیان شده و تنها به این نکات اشاره شده که سرگور اوزلی را برای وساطت صلح، روانه مرز ایران و روسیه کردند:

«ردیش‌جوف، سردار روسی که از برای مصالحه مبالغه داشت، میرزاابوالحسن ایلیچی بزرگ را روانه چمن گلستانه با ردیش‌جوف سردار، قرار مصالحه در روز سه‌شنبه بیست‌وششم شهر رمضان المبارک به انجام آمد و اتمام یافت و قرارداد نمود.»^۴

در اینجا محمودمیرزا هیچ اشاره‌ای به مفاد این قرارداد نمی‌کند و تنها به این مسئله اشاره می‌کند که شاه امضای قرارداد اردوی همایون را به نایب‌السلطنه سپرد و به‌همراه میرزاشفیعی صدراعظم به تبریز روی آورد؛^۵ اما گزارش دنبلی در این مورد بسیار مفصل‌تر و واضح‌تر است.^۶

^۱ دنبلی، *مآثر سلطانیه*، صص ۳۹۲-۳۹۳.

^۲ همان، صص ۴۱۲-۴۱۰ و *صاحبقرانی*، صص ۸۵-۱۸۴.

^۳ دنبلی، همان، ص ۴۰۸.

^۴ *صاحبقرانی*، صص ۸۷-۱۸۶.

^۵ همان، ص ۱۸۷.

^۶ دنبلی، *مآثر سلطانیه*، صص ۴۱۷-۴۱۲.

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۴۱

با دقت در عناوین فهرست و محتوای روایت جنگ‌های ایران و روس در *تاریخ صاحب‌قهرانی* درمی‌یابیم که آنچه برای محمودمیرزا ملاک تقسیم‌بندی و بازخوانی و بازنمایی روایت است، شاه است؛ یعنی وقایعی در هر سال با قلم بر روی صفحه متن او می‌آید که مربوط به امور حکومتی شاه است. در این میان، جنگ‌های ایران و روس نیز یکی از حوادث اتفاق‌افتاده در بین حوادث قلمروی شاه است و وی نمی‌خواهد با اختصاص عناوین زیاد مربوط به این جنگ‌ها - که بیشتر آن شکست است - شکوه و جلال و مرکزیت شاه قاجار را زیر سؤال ببرد. درحالی‌که کتاب دنبلی نیز به دستور شاه و نایب‌السلطنه برای نگارش حوادث زمان فتحعلی‌شاه نوشته شده است؛ اما عامل اصلی نگارش کتاب، جنگ‌های ایران و روس و ثبت آنها بوده است و به همین خاطر، این مسئله خود را در فهرست کتاب نشان می‌دهد (بنگرید به جداول پیشین).

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد یکی از اهداف نگارش *تاریخ صاحب‌قهرانی*، تولید تاریخی مشروعیت‌ساز برای سلطنت فتحعلی‌شاه، آن هم پس از دو دوره جنگ با روسیه و تحمیل قراردادهای ننگین که در طول تاریخ ایران بی‌سابقه بوده، است. به همین دلیل می‌بینیم که نویسنده در بیان و توضیح حوادث این سال‌ها اگرچه ناگزیر به بیان شکست‌ها بوده، اما تاجایی که امکان داشته سعی در پنهان کردن این مسئله داشته و بیشتر بر بیان خیانت خوانین در منطقه جنگ تأکید کرده است. جالب‌تر اینکه، به طرز اعجاب‌انگیزی، محمودمیرزا مفاد قرارداد گلستان (همچون دنبلی) و ترکمانچای و جدایی بخشی از سرزمین ایران در این برهه تاریخی را حذف کرد و اگر چنانچه کتاب او، تنها منبع خبر جنگ‌های ایران و روس بود، خواننده گمان می‌کرد این جنگ‌ها فقط مجموعه‌ای از جنگ‌های ساده و طولانی‌مدت بوده‌اند که تنها الهام‌بخش ایران برای تغییر نیروی نظامی خود به شیوه اروپایی شدند.^۱

^۱ دنبلی نیز جزئیات قرارداد گلستان را حذف نموده است: «... و در سیاق آن حال، برخی امور از اغتشاش خراسان رو داد که به آن سبب و بنابر قلع بقیه ماده فساد شیخ کاشغری در میان ترکمانان و اجتماع ایشان در دشت و معاودت موکب همایون به دارالخلافة اولی و انساب بود. لہذا میرزا ابوالحسن خان از دربار گیتی‌مدار سلطانی مأمور و سردار روس نیز به ملاقات او مبادرت نموده، عهد سازش بستند و قرار کار از طرفین به این مطلب اتمام پذیرفت که در بهار آینده ایلچیان به جناح فلاح در حرکت آیند و ابواب مصالحت و مسالمت بر

۴۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

در مقایسه دو متن تاریخ صاحبقرانی و اکسیرالتواریخ براساس عناوین فصل‌ها و محتوای آنها باید گفت که فهرست اکسیرالتواریخ بیش از آنکه به فهرست تاریخ صاحبقرانی شبیه باشد، شبیه متن مآثر سلطانیه است و در آن سرعنوان‌های مربوط به جنگ ایران و روس، مفصل‌تر از سرعنوانهای تاریخ صاحبقرانی است.^۱ از آنجاکه متن اکسیرالتواریخ، مطالب و حوادث را بسیار خلاصه کرده، الگوی آن را در مجمل‌نویسی می‌توان محمودمیرزا دانست؛ اما با این تفاوت که وی حوادث را بسیار خلاصه‌تر از صاحبقرانی و کمی بیشتر و روشن‌تر از اخبار محمدی بیان می‌کند.^۲ میزان توهین و طعنه او نسبت به روسیه بیشتر از قدمای خود بود و گاهی از آنها به‌عنوان «روس منحوس»^۳ نام می‌برد. برخلاف محمودمیرزا که سعی کرد بی‌طرفی خود را در فتنه کاشغری نشان دهد، اعتضادالسلطنه همانند دنبلی، کاشغری را فردی بدنهاد معرفی کرد. گزارش وی از خواباندن فتنه او از نظر محتوا، کاملاً شبیه روایت دنبلی است. در مجموع نثر کتاب اکسیرالتواریخ، نثری پر از استعارات و تشبیهات فراوان و گاه طولانی است و محتوای آن برخلاف تاریخ صاحبقرانی است. از این‌رو، متن صاحبقرانی، تنها در شیوه مجمل‌نویسی، سرمشق و الگوی اکسیرالتواریخ قرار گرفته است. از لحاظ محتوا و شباهت عنوان‌های فهرست و چینش روایت جنگ‌ها نیز، متن الگوی اکسیر، کتاب مآثر سلطانیه بوده است.^۴

چهره‌عالمان گشایند و بنای امور مشخص شود که بر چه وضع خواهد بود. رأی جهان‌آرا بر طبق این مصلحت راضی و عزم معاودت به تختگاه سلطنت فرمود.» (دنبلی، *مآثر السلطانیه*، ص ۴۰۸، ۴۰۹)؛ نخستین بار جزییات نسبتاً کامل‌تر قراردادها در *تاریخ ذوالقرنین* خاوری شیرازی آورده شد و سپس سپهر در ناسخ التواریخ، شکل کامل‌تری از آن را در گزارش خود وارد ساخت. بنگرید به ضمیمه جنگ‌های ایران و روس از *تاریخ ذوالقرنین* خاوری در کتاب دنبلی، *مآثر السلطانیه*، صص ۵۲۲-۵۱۳؛ ۶۰۴-۵۹۱؛ سپهر، *ناسخ التواریخ*، ج ۱، صص ۴۰۴-۳۹۳، ۲۴۶-۲۴۰.

^۱ اعتضادالسلطنه، *اکسیرالتواریخ*، فهرست.

^۲ همان، صص ۱۳۰-۱۰۷.

^۳ همان، ص ۱۰۸.

^۴ البته برخی از شاهزاده‌های تاریخ‌نویس بعدی همچون امامقلی میرزا، تحت تأثیر احتمالی محمودمیرزا بر مشیت الهی در شکست از روس‌ها و سرکشی خوانین قفقاز تأکید می‌کنند؛ با این تفاوت که برخلاف محمودمیرزا،

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۴۳

بدین ترتیب متن *صاحب‌قهرانی و اخبار محمدی*، الگویی برای شاهزاده‌های بعدی خود درنیامدند. با وجود این، گاهی کتب محمودمیرزا سرمشق دیگر شاهزاده‌ها قرار می‌گرفت؛ مثلاً اعتمادالسلطنه بخشی را به ارائه شرح‌حالی از زندگی شعرا و عرفا بعد از اتمام روایت سلطنت هر پادشاه، اختصاص داده است که احتمال می‌رود متأثر از شیوه *تذکره السلاطین* محمودمیرزا باشد.

۶. جایگاه تاریخ‌نوشته‌های محمودمیرزا در میان تواریخ شاهزادگان قاجار و دیگر

تواریخ عصر قاجار

به منظور پی بردن به جایگاه کتب تاریخی محمودمیرزا در تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری و در مقیاسی وسیع‌تر در تاریخ‌نویسی دوره اول قاجار، چاره‌ای جز مطالعه و مقایسه آثار وی با کتب تاریخی این دوره نیست. با عنایت به مقایسه محتوای گزارش‌های متون محمودمیرزا در وقایع مربوط به نسب ایل قاجار و جنگ‌های ایران و روس در بحث «هدف تألیف»، میزان الگوبرداری و تأثیرپذیری تاریخ‌نوشته‌های محمودمیرزا از متون تاریخی پیشین در محتوا تا حد زیادی آشکار شد؛ اما برای روشن‌تر شدن میزان این الگوبرداری، در این قسمت مقاله سعی شده تا با مقایسه دیباچه‌های کتب این شاهزاده با تعدادی متون دیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها بیشتر نشان داده شود. همچنین این مسئله روشن شود که وی تا چه حد از متون تاریخی پیش از خود اقتباس و گریه‌برداری کرده و نیز احتمالاً به چه میزان بر تاریخ‌نویسی پس از خود تأثیر گذاشته است.

– مقایسه دیباچه‌های متون محمودمیرزا با متون عصر قاجار

سه عنصر قراردادی دیباچه‌های عصر صفوی در این دوره نیز تداوم می‌یابد که عبارتند از: ۱- مقدمه مذهبی: حمد و ثنای خدا و نعت و ستایش پیامبر (ص) و ائمه (ع) و گاهی به طور اخص امام علی (ع)؛ ۲- اطلاعاتی درمورد نام و زندگی نویسنده و ۳- اطلاعاتی درمورد متن و موضوع کتاب.^۱ در متون عصر صفوی، گاهی در بخش دوم دیباچه، قصد نویسنده از نگارش

امام‌قلی، سرکشی این خوانین را به خواست خدا مرتبط دانسته است. امام‌قلی، *نسب‌نامه ایل قاجار*، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، خطی، ص ۳۴۴، ۳۴۵.

^۱ کویین، *تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی*، ص ۳۹.

کتاب و دلیل نوشتن همچون فرمان شاه یا مقام مافوق، به همراه شرحی کوتاه از زندگی نویسنده بیان می‌شد. ظاهراً به نظر می‌رسد در این دوره بیان دلیل نگارش، امری مرسوم و رایج شده باشد. در بخش سوم دیباچه نیز محتوای کتاب و عنوان فصول می‌آید. البته گاهی تفاوت‌هایی در اضافه یا کم کردن متن دیده می‌شود. همچنین در این بخش، از شیوه‌هایی خاص برای تقویت حق حکومت و مشروعیت بخشی به یک سلطان و شاه استفاده می‌کردند.^۱

بر این اساس، به منظور شناخت میزان تأثیرپذیری این شاهزاده قاجاری از متون پیشین خود و درجه اثرگذاری بر متون پس از خود، در این قسمت، دیباچه‌های متون او با چند نمونه دیباچه‌های تاریخی دوران قبل قاجاریه و متون معاصر نویسنده و متون تولیدشده پس از محمود میرزا مقایسه می‌شود. لازم به ذکر است با توجه به آنکه در میان دو متن محمود میرزا، دیباچه اخبار محمدی نقص و افتادگی دارد، یک متن دیگر این شاهزاده به نام تذکره السلاطین بررسی می‌شود. اما متون مقایسه شده با آثار محمود میرزا به ترتیب سالشماری آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. متون دوران پیش از قاجاریه که از آن میان، دو کتاب به‌عنوان نمونه از عصر افشاریه و زندیه انتخاب شدند: یکی تاریخ جهانگشای نادری اثر مهدی خان استرآبادی (تألیف ۱۱۷۲ ق.) و دیگری گلشن مراد نوشته غفاری (تألیف پیش از ۱۲۰۷ ق.).
۲. متون معاصر و هم‌عصر محمود میرزا که در دو بخش تقسیم‌بندی شده‌اند:
الف) متون تاریخی دیوانی که سه متن تاریخ محمدی (احسن التواریخ) اثر محمدتقی ساروی (به‌عنوان قدیمی‌ترین متن تاریخ قاجاریه، تألیف ۱۲۱۱ ق.) و مآثر سلطانی به قلم عبدالرزاق دنبلی (تألیف ۱۲۴۱ ق.)، به‌عنوان شاخص‌ترین متون دیوانی بررسی شدند.
ب) متون شاهزادگان درباری که تنها تذکره محمدشاهی اثر بهمن میرزا (تألیف ۱۲۴۹ ق.) هم‌زمان با کتاب تاریخ صاحبقرانی محمود میرزا نوشته شده است.
۳. متون بعد از محمود میرزا که در این قسمت تنها سه متن که هر سه نگارش شاهزادگان تاریخ‌نویس قاجاری‌اند، انتخاب شد که به ترتیب تألیف عبارتند از: اکسیر التواریخ اثر اعتضادالسلطنه (تألیف ۱۲۵۸ ق.) و تاریخ نو اثر جهانگیر میرزا (تألیف ۱۲۶۷ ق.).

^۱ همان، ص ۴۰.

ملاحظاتى در باب تاريخ‌نويسى شاهزاده‌هاى قاجارى ۴۵

به منظور مقايسه سهل‌تر و آسان‌تر ديباچه‌هاى اين متون، محتواى آنها را به صورت جدول ارائه مى‌کنيم.

جدول شماره ۲: دیباچه تاریخ جهانگشای نادری

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی های بارز مفاد این عناصر	ویژگی های ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	فقط ثنای خدا	شروع با زبان فارسی	۱- مشرعیت سازی برای حکومت نادر از سه طریق: الف) در حمدیه بلافاصله بعد از ستایش خدا می نویسد: در اعصار منقلب دنیا خدا به خاطر فیض پررحمت و عدالتش به بندگان ستم دیده کمک می کند و یکی از مصداق های این کمک وجود نادرشاه افشار است. پس نادر از طرف خدا برای حکومت مشروعیت دارد. ب) در صفاتی که به نادر می دهد بارزترین صفات: مظهر قدرت الهی، قهرمان سلسله ترکمانیه، تاج بخش ملوک هند و توران. ج) در بیان محتوا و موضوع کتاب مجملی از حوادث ایران از عهد صفوی (صص ۱۴-۶) تا مقارن ظهور نادر را بیان می کند تا نشان دهد که نادر با ایجاد امنیت و بیرون راندن افغانه چه خدمت بزرگی انجام داده است. این امر ظاهراً برای مشروعیت بخشی به حکومت او در مقابل مشروعیت صفویان بوده است.
۲- ذکر نام و اطلاعاتی در مورد نویسنده	فقط ذکر نام	حذف ثنای رسول و ائمه	۲- عدم استفاده از نثر عربی و استفاده اندک از شعر و به کارگیری زبان ساده
۳- موضوع و محتوای کتاب	ذکر احوال و وقایع زمان نادرشاه		۳- حذف ثنای رسول و ائمه شاید به علت شرایط مذهبی عصر نادر

جدول شماره ۳: ديپاچه گلشن مراد

عناصر قراردادى	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی- های بارز مفاد این عناصر	ویژگی‌های منحصر به فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	ثنای خدای غیرقابل معرفت و ستایش، نعت و ستایش رسول(ص)، و ائمه (ع) به ترتیب در ۱۱ و ۴ خط	شروع به زبان فارسى	۱- پر بودن ديپاچه از شعر و قصیده ۲- اشاره به توقف چهارساله در نگارش کتاب به واسطه تقدیر (اعتقاد به تقدیرگرایی) و رفع موانع به دست علیمرادخان
۲- ذکر نام نویسنده	نام نویسنده بلافاصله بعد از حمدیه، اشاره به زندگی و نشان دادن توانایی اش در نگارش و فن آن، اشاره به ممدوح خود		۳- افزودن این جمله در آخر ديپاچه که اگر نکته‌سنجان که طالب اخبار هستند، سهوی در این اخبار دیدند، آن را اصلاح کنند. (ص ۳۰)
۳- موضوع و محتوای کتاب	ذکر وقایع عهد کریم‌خان و سلاطین بعد از او تا علیمردان‌خان		۴- مشروعیت‌بخشی با دادن القاب ایران باستان و یا ظل‌اللهی بودن مثل القاب خسرو ملک‌مرتبه، قهرمان فریدون‌راست، منوچهرسریر و الموید به تأییدات خدا (صص ۲۹ و ۳۰)
۴- علت نامگذاری کتاب	گلشن، عهد علیمردان‌خان است		۵- علت نامیدن کتاب و تعبیر عهد علیمردان‌خان به گلشن

جدول شماره ۴: دیباچه/حسن التواریخ (تاریخ محمدی)

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی‌های بارز مفاد این عناصر	متن الگو	ویژگی‌های منحصر به فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	۱- ثنای خدا ۲- ستایش پیامبر ۳- ستایش علی و اولاد او(ع)	لغات، اصطلاحات و تعبیرات فراوان و سخت، اصطلاحات فراوان عربی		۱- دیباچه طولانی است و به شیوه فنی و منشیانه پر از تشبیهات و لغات عربی است. ۲- بعد از حمد با بیان این که خداوند در هر قرنی شخصی را به اقتضای استعداد ماده به یک نفر قدرت می‌دهد تا جان و مال مردم را نگاه دارد. (ص ۱۹)
۲- ذکر نام نویسنده	فقط ذکر نام	نامش را به قصد بالابردن ارزش کارش در ادامه حلقه منشیان و وقایع‌نگاران گذشته می‌آورد (ص ۲۲)	گلشن مراد	[مشروعیت بخششی برای حکومت جدید که آقامحمدخان از طرف خدا به حکومت رسیده است.]
۳- علت نگارش کتاب	به دستور شاهزاده فتحعلی‌خان در عصر آغامحمدخان			
۴- محتوای کتاب	تاریخ عصر آغامحمدخان			
۵- علت نامگذاری کتاب به این عنوان و عنوان تاریخ محمدی	آغامحمدخان را در کارهای حکومت داری و دینداری احسن‌الملوک و خاتم‌السلطین و تاریخ سلطنت او را احسن‌التواریخ می‌دانند (ص ۲۳)			

ملاحظاتى در باب تاريخ نويسى شاهزاده هاى قاجارى ٤٩

			اين دو محمد(خاتم شاهان و خاتم پيامبران) آن را تاريخ محمدى ناميد.(ص ٢٢)	
--	--	--	--	--

جدول شماره ۵: دیباچهٔ مآثر سلطانیه

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی‌های بارز مفاد این عناصر	متمن الگو	ویژگی‌های ابداعی منحصر به فرد یا
۱- حمدیه	ستایش خدا، ثنای پیامبر (ص)، ثنای ائمه (ع)	متفاوت از ثناهای قبلی است. «ثنای خدایی که انسان را آفرید.»	ندا	۱- افزودن ثنا بر فتحعلی‌شاه و عباس میرزا، نایب‌السلطنه
۲- ذکر نام نویسنده	ذکر نام نویسنده	با استعاره و توضیحات زیبا و روان	رد	۲- دعا برای بقای عمر دولت ۳- اشاره به سبک و شیوه نگارش می‌گوید: احوال را بی‌اغراق منشیانه و سخن‌پردازی و اطناب ممل و ایجاز مخل به رشته تحریر و تقریر کشید. (ص ۲۹)
۳- علت نگارش کتاب	درخواست و دستور فتحعلی‌شاه			۴- کم شدن حجم دیباچه (الگو) ۵- به جای ذکر محتوا فقط به بیان موضوع شروع کتاب یعنی احوال ایل قاجار بسنده می‌کند.
۴- موضوع و محتوای کتاب	احوال ایل قاجار، حوادث و اوضاع زمان فتحعلی‌شاه تا سال ۱۲۴۱ (وفات نویسنده) و بیان کیفیات جنگ‌های عصر فتحعلی‌شاه		ندا	۶- آوردن القاب و نام پادشاهان ایران باستان برای فتحعلی‌شاه و عباس میرزا؛ نظیر خسرو ترک و عجم، بانی معدلت جمشیدسلطنت، شاهنشاه جم برای مشروعیت دادن به شاهان قاجار به‌عنوان ادامهٔ سلطنت باستانی ایران.

ملاحظاتى در باب تاريخ نويسى شاهزاده‌هاى قاجارى ۵۱

جدول شماره ۶: ديپاچه تذكيره محمدشاهى

عناصر قراردادى	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی‌های بارز مفاد این عناصر	متن الگو	ویژگی‌های ابداعی نویسنده منحصر به فرد یا
۱- حمدیه	ثنای خدا، ستایش پیامبر، ستایش علی(ع) و اولاد او و خصوصاً مهدی(ع)	شروع با یک جمله عربی و عدم توانایی در شناخت و معرفت خدا	گلشه ن مراد، تاریخ ذوالقرنین	۱- مدح فتحعلی‌شاه بلافاصله بعد از مدح و ستایش امام زمان، به‌عنوان نایب زمان و عدالت‌گستر است. مدح عباس‌میرزا به‌عنوان غازی دین خدا که سبب بازگشت آرامش به آذربایجان و خراسان شده است و حتی در ادامه از او به نام «شاه عباس» یاد می‌کند(ص ۲).
۲- ذکر نام نویسنده	ذکر نام و زندگی‌نامه خود	این که فرزند عباس‌میرزا است و مأمور حکومتی در اردبیل		مدح محمدشاه که کتاب به او هدیه شده همراه با قصیده‌ای طولانی. (الگو تاریخ ذوالقرنین)
۳- علت نگارش کتاب	به دستور شاهزاده محمدشاه			۲- استفاده از ابیات و مطالب عربی به همراه تشبیهات ساده و روان در مدح ۳- استفاده از قصیده طولانی در مدح شاهزاده محمدشاه
۴- محتوای کتاب	تقسیم در سه رشته	۱- متقدمین ۲- افکار و واردات غیبی فتحعلی‌شاه و احوال بعضی شاهزادگان قاجار. ۳- شرح حال شعرای معاصر		۴- خواهش از بزرگان ادب و علم که اگر در آن خطایی دیدند، آن را اصلاح کنند و از او درگذرند. (الگو گلشن مراد)
۵- علت نام‌گذاری کتاب	به نام محمدشاه تا مشهور گردد.		احسن ن التواریخ	۵- ذکر این که کتاب را بی‌یاور نوشته و اشاره به این که در پی انشای بی‌تکلف «بی‌تکلفات شاعرانه و استعارات منشیانه صاف و ساده و روان این تذکره را نوشتم»(ص ۴) (الگو مآثر السلطنیه) ۶- سعی در بسط احوال شعرابی چون آذر بیگدلی ۷- دعا برای قبولی اثرش نزد شاه (الگو تاریخ ذوالقرنین) ۸- عدم ذکر سال شروع نگارش کتاب ۹- حجم دیپاچه زیاد است.

جدول شماره ۷: دیباچه تذکره السلاطین

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی‌های بارز مفاد این عناصر	متمن الگو	ویژگی‌های منحصربه‌فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	ستایش خدا، ثنای پیامبر و ثنای ائمه، شعری در مدح علی	ثنا و ستایش اولیه به زبان عربی و سپس حمدیه به زبان فارسی، استفاده از شعر و قصیده فراوان و طولانی		۱- پس از حمد اشاره به بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا و هدف خلقت می‌کند و می‌گوید خدا از بین مردم کسانی را برتر قرار داده و امیر بر مردم کرده و شاه ظل‌الله است و اگر عادل باشد، حکومتش پایدار و از این مقدمه وارد بحث علت نگارش کتاب می‌شود. هدفش با این سخن، مشروعیت‌سازی الهی برای حکومت خاندان قاجار است.
۲- ذکر نام نویسنده	ذکر نام نویسنده			
۳- علت نگارش کتاب	به‌خاطر ناپایداری روزگار تذکره‌ای نوشته می‌شود از وقایع مضحک شاهان ایران. هدف نوشتن تصمیم شخص نویسنده برای نوشتن تذکره است نه فرمان شاه و برای همین نام آن را تذکره السلاطین گذاشت.			۲- القابی که به فتحعلی‌شاه می‌دهد، به‌نوعی از موارد مشروعیت‌سازی او محسوب می‌شود که سلطنت او ادامه سلطنت شاهان قدیم باستان ایران است و نیز حکومتش، حکومت حفظ اسلام و تشیع است و مهم‌تر از همه اینکه مشروعیت او به تأیید خدا است و به‌عنوان ظل‌الله بر روی زمین است.
۴- موضوع و محتوای کتاب	وقایع عجیب و مضحک شاهان ایران تا زمان فتحعلی‌شاه			
۵- کم‌حجم شدن دیباچه			احسن التواریخ	

جدول شماره ۸: دیباچه تاریخ صاحب‌قمرانی

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی‌های بارز مفاد این عناصر	متن الگو	ویژگی‌های منحصربه‌فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	۱- ثنای خدا، نعت رسول و ائمه، خصوصاً نعت علی(ع)	که کسی نمی‌تواند نعمتش را شکر و وی را بشناسد.	گلش ن مراد	۱- استفاده از لغات ادبی و شعر عربی و آیه قرآن
۲- ذکر نام نویسنده	ذکر نام و اشاره به زندگی خود	اشاره به زندگی فقط در حدی که نشان دهد در ایران تحت تربیت بوده و از نظر فن انشاء بی تجربه نیست.	احسن التواریخ	۲- آوردن تاریخ شروع کتاب در سال ۱۲۴۸ ق. در دیباچه
۳- علت نگارش کتاب	به درخواست فتحعلی‌شاه به خاطر عدم وجود کتابی به زبان ساده و دور از لغات دشوار و سخت	دو بار اشاره کرده است و گفته تاکنون کتبی که نوشته شده، میل به خواندن آنها در این زمان نیست [احتمالاً به خاطر نثر آنها] و نیز محتوای شان کامل نیست.	مآثر السلطانیه	۳- در بیان محتوا می‌گوید به ذکر احوال کسانی از طایفه قاجار پرداخته که به تأیید خدا شاه شده‌اند و این بدان معنی است که می‌خواهد بگوید مشروعیت حکومت یک شخص از طرف خدا تعیین می‌شود.
۴- محتوای کتاب	در ذکر سلاطین قاجار، از نسب آنها شروع و به شرح سلاطینی که به تأیید خدا پادشاه شده‌اند؛ از فتحعلی‌خان تا فتحعلی‌شاه			
۵- علت نام‌گذاری کتاب	شاه خود نام کتاب را براساس لقب خود تاریخ صاحب‌قمرانی نامید. (ص ۳)		احسن التواریخ	
۶- کم شدن حجم دیباچه			مآثر السلطانیه	

جدول شماره ۹: دیباچه/اخبار محمدی (نسخه شماره ۵/۱۲۲۹۳)

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی های بارز مفاد این عناصر	متن الگو	ویژگی های منحصر به فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	افتادگی نسخه			۱- نویسنده اشاره
۲- ذکر نام نویسنده	افتادگی نسخه			می کند تمامی اشعاری که به عنوان شاهد حوادث آورده، سروده خودش می باشد. (ص ۷۵) (الگو نقاوه الآثار)
۳- علت نگارش کتاب	دو علت ذکر می کند: آوردن مطالبی که سبب حیرت و عبرت شود و دوم برای ثبت داستان هایی که در حافظه است و برای نقل داستان های کتاب در محافل	سعی کرده اخبار صادقانه را از میان کتب بیرون کشد.		۲- از خوانندگان و ناقلان اخبار کتابش می خواهد که در هنگام ذکر روایت ها به مخاطبان بگویند که از این کتاب استفاده کرده اند. (ص ۷۶)
۴- محتوای کتاب	ذکر مجملی از صاحبان نام و تاریخ ظهور و وفات آنها			
۵- علت نام گذاری کتاب	اخبار محمدی نامیدم تا به خاطر اسمش پسندیده و محمود باشد. (ص ۷۵)		احسن التواریخ	

جدول شماره ۱۰: ديپاچه اكسيرالتواريخ

عناصر قراردادى	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی‌های بارز مفاد این عناصر	متن الگو	ویژگی‌های منحصر به فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	ثنای خدا، نعت رسول(ص) و علی(ع)، نعت بقیه ائمه(ع)	شروع ثنائى خدا و پیامبر با شعر، نعت علی را در سه جمله عربی و یک بیت شعر و نیز نعت جداگانه برای علی تحت تأثیر محمود میرزا		۱- مثل تذکره السلاطین، قبل از شروع متن یک رباعی آورده است.
۲- ذکر نام نویسنده	فقط ذکر نام			۲- بلافاصله بعد از حمدیه به مدح شاه می‌پردازد دادن صفت «برازنده افسر کیان» نشان از مشروعیت دادن ایران باستانی به شاهان قاجار است.
۳- علت نگارش کتاب	احوال شاهان قاجار را بدون ایجاد تغییر از کتب دیگر اخذ کرده، می‌آورم.			۳- وصف و مدح قاجاریه که آنها را طبقه چهارم از کسانی می‌داند که در ایران علم شاهی افراشتند. (مشروعیت بر پایه شاهی ایران باستان)
۴- محتوای کتاب	در این جلد پس از ذکر ۱۳ طبقه سلاطین گذشته، به تفصیل ایل قاجار می‌پردازم که کار کوچکی است در مقایسه با دیگر کتاب‌ها			دیگر
۵- کم شدن حجم دیپاچه	تحت تأثیر مآثر سلطانیه		مآثر السلطانیه	ویژگی‌ها: الف) کم شدن حجم دیپاچه تحت تأثیر مآثر سلطانیه

جدول شماره ۱۱: دیباچه تاریخ نو

عناصر قراردادی	مفاد و محتوای عناصر	ویژگی-های بارز مفاد این عناصر	متن الگو	ویژگی های منحصر به فرد یا ابداعی نویسنده
۱- حمدیه	ثنای خدای، رسول(ص) و ائمه(ع)	هر سه ثنا و ستایش فقط در یک سطر آمده است.		۱- ذکر محلی که اولین بار شروع به نوشتن کرد. ۲- چون انتخاب سال ۱۲۴۰ ق. به عنوان شروع تاریخ کتاب نو و عدم شروع تاریخ فتحعلی شاه از اول سلطنتش به خاطر وجود کتاب مآثر سلطانیه که این حوادث را تا سال ۱۲۴۰ ق. دارد.
۲- ذکر نام نویسنده	فقط ذکر نام بلافاصله بعد از حمدیه			
۳- علت نگارش کتاب	به دستور محمدشاه هدف از آن تجربه شدن برای خوانندگان و گرفتن آگاهی			
۴- محتوای کتاب	به دستور شاه حوادث ۱۲۴۰ ق. تا زمانه مؤلف ۱۲۶۷ ق. زیرا وقایع قبل از ۱۲۴۰ در مآثر سلطانیه وجود دارد.			
۵- علت نام گذاری کتاب	«و چون عدد لفظ [تاریخ] نو، مصادف با اختتام این کتاب آمد، مسمی به تاریخ نو گردید.» (ص ۲)		احسن التواریخ	
۶- کم حجم شدن دیباچه	تحت تأثیر مآثر سلطانیه، محدود به یک نسخه			

از مقايسه جداول مذکور، نتايج زير حاصل شد:

۱. بيان علت نگارش كتاب، به يك عنصر قراردادى تبديل مى شود كه الگوى آنها در دوره قاجاريه، *احسن التواريخ* (تاريخ محمدى) است. در نظر داشته باشيم كه ساروى نيز ادامه‌دهنده سنت تاريخ نويسى ايرانى دوران قبل است.
۲. بيان علت ناميدن عنوان كتاب نيز در اين دوره تبديل به يك عنصر قراردادى شده است كه متن الگوى آن *احسن التواريخ* است كه وى نيز آن را از گلشن مراد گرفته بردارى كرده است.
۳. اشاره به هدف ساده و روان نويسى در نگارش كتاب، تحت تاثير شيوه *مآثر سلطانيه* است كه اولين بار توسط محمودميرزا و بهمن ميرزا وارد آثار شاهزادگان تاريخ نويس قاجارى شد.
۴. كم شدن حجم ديباچه‌ها نيز تحت تاثير الگوى *مآثر سلطانيه* است كه اين الگو در تاريخ نويسى شاهزادگان قاجار اولين بار توسط محمودميرزا به كار گرفته شد. در مجموع بر پايه اين مقايسه، مى توان الگوهاى اصلى محمودميرزا در تأليف ديباچه‌هاى آثارش را در جدول زير به نمايش گزارد:

جدول شماره ۱۲: متون الگوى ديباچه‌هاى محمودميرزا

الگوها	
تذکره السلاطين تاريخ صاحبقرانى اخبار محمدى	احسن التواريخ - مآثر سلطانيه گلشن مراد - احسن التواريخ (۲ مورد) - مآثر سلطانيه (۲ مورد) نقاوه الاثار (عهد صفوى) - احسن التواريخ

با توجه جدول پيشين و جدول مذکور در مى يابيم كه الگوى محمودميرزا يك اثر نبوده، بلكه وى از دو كتاب *احسن التواريخ* و *مآثر سلطانيه* به يك ميزان الگوبردارى كرده است. *احسن التواريخ*، بيشتر جايگاه الگوى ساختارى و قالبى و *مآثر سلطانيه*، جايگاه الگوى كم كردن حجم ديباچه و اشاره به قصد ساده نويسى را به دست مى دهند.

حاصل سخن:

شناخت ویژگی‌های تاریخ‌نویسی محمود میرزا به دلیل تعلق وی به خاندان قاجار، ما را به فهم چستی تاریخ‌نویسی شاهزادگان قاجاری تاریخ‌نویس نزدیک می‌نماید. از این رو، این مقاله تلاش داشت با روش شناخت و بررسی نقشه تالیف و هدف تالیف در دو اثر تاریخی محمود میرزا، و نیز میزان تأثیرپذیری و الگوبرداری آن از متون پیشین و تأثیرگذاری اش بر شاهزادگان تاریخ‌نویس بعدی، تاریخ‌نویسی این شاهزاده قاجاری را فهم کند. دو اثر منتخب این شاهزاده، تاریخ *صاحبقرانی*، یک تاریخ سلسله‌ای و *اخبار محمدی*، یک تاریخ عمومی بود. به منظور شناخت میزان الگوبرداری این شاهزاده قاجاری از آثار پیشین خود و درجه تأثیرگذاری بر آثار پس از خود، دیباچه‌ها و چند خبر از متون او با چند نمونه دیباچه‌ها و خبرهای مشابه دوران قبل قاجاریه و متون معاصر نویسنده و متون تولیدشده پس از محمود میرزا مقایسه شد. نتایج حاصل نشان داد که محمود میرزا در تنظیم دیباچه‌ها، از دو کتاب *احسن التواریخ* اثر محمدتقی ساروی و *مآثر سلطانیه* نوشته عبدالرزاق دنبلی به یک میزان الگوبرداری کرده است. *احسن التواریخ*، بیشتر جایگاه الگوی ساختاری و قالبی و *مآثر سلطانیه*، جایگاه الگوی کم کردن حجم دیباچه و اشاره به قصد ساده‌نویسی را در متون او داشتند. مقایسه دیباچه‌های محمود میرزا با سایر آثار شاهزادگان قاجار معاصر و پس از او نشان می‌دهد که آنها نیز تحت تأثیر محمود میرزا، در نوشتن دیباچه‌ها، نه یک متن بلکه چند متن را الگوی خویش قرار دادند و همانند تألیفات محمود میرزا، این الگوها کتاب‌های گلشن مراد، *احسن التواریخ* و محمود میرزا بودند. به درستی معلوم نیست آغازگر گرت‌برداری از روش *مآثر دنبلی* (در اشاره نویسنده به قصد ساده‌نویسی در دیباچه) به دلیل هم‌عصر بودن تألیفات محمود میرزا و بهمن-میرزا، کدام یک از این شاهزاده‌های قجری بوده است.

در مجموع، علاوه بر انگیزه محمود میرزا در ایجاد کتبی به سبک و شیوه ساده‌نویسی و به دور از مغلق‌نویسی - که در دو متن تاریخی وی مشترکاً دنبال می‌شود - هدف و انگیزه دیگری در پس ذهن محمود میرزا قرار دارد و آن عامل مشروعیت‌سازی برای سلطنت خاندانش به ویژه برای فتحعلی‌شاه در واکنش به شکست سنگین حکومت قاجار از دولت روسیه است. البته شیوه‌های این مشروعیت‌سازی در دو اثر تألیفی نویسنده، به گونه متفاوتی ظاهر شده است. شاید بتوان علت این تفاوت را در نوع و گونه متفاوت تاریخ‌نویسی آنها دانست که متن *صاحبقرانی* یک تاریخ سلسله‌ای و متن *اخبار محمدی*، یک تاریخ عمومی عامیانه است و

ملاحظات در باب تاریخ‌نویسی شاهزاده‌های قاجاری ۵۹

نویسنده در هر کدام، مخاطبان متفاوتی را مدنظر داشته است. در *تاریخ صاحبقرانی* که به دستور مستقیم شاه تولید شد، هدف اصلی شاهزاده مؤلف، ایجاد نوعی مشروعیت الهی برای خاندان قاجاریه است؛ اما محمود میرزا با هدف تولید یک متن تاریخی عبرت‌آمیز شبیه به داستان‌های شاهنامه که در مجالس و هم‌نشینی‌های شبانه مردم نقل‌قول شود، *اخبار محمدی* را تولید کرد. کتابی که بیشتر از آنکه یک تاریخ عمومی باشد، یک جنگ تاریخی است. از این رو مؤلف در این تاریخ عمومی، شاهان قاجاریه را حلقه‌ای از زنجیره شاهان ایران از دوران باستان تا عصر خود معرفی کرد و مشروعیت این سلسله را بر پایه مشروعیت ایران باستانی، چنگیزی و تیموری قرار داد.

در پرتو این بینش، محمود میرزا در بازخوانی جنگ‌های ایران و روس در *تاریخ صاحبقرانی*، گرچه گزارش *مآثر سلطانیه* دنبلی را الگوی خود قرار داد، اما آن را بسیار خلاصه نمود. او ناگزیر به بیان شکست‌های قاجارها بود؛ اما ضمن آن‌که وسعت شکست ایران در برابر روسیه را در مقایسه با شکست‌های دول اروپایی و عثمانی از این کشور بسیار اندک جلوه داد، در دلایل شکست، خیانت خوانین در منطقه جنگ را برجسته نمود و تأکید نمود در این جنگ، هیچ کوتاهی‌ای از جانب قافله‌سالار فتحعلی‌شاه صورت نگرفت. او به طرز اعجاب‌انگیزی، مفاد قرارداد گلستان و ترکمانچای را در گزارش خود حذف نمود؛ اما در *اخبار محمدی*، به دلیل حفظ شأن و جایگاه شاه قاجار در زنجیره شاهان پیشین ایران، حاشیه‌رانی شکست بسیار بیشتر صورت گرفت و تمامی اخبار شکست و قراردادهای مابین ایران و روس حذف شدند. متون شاهزاده‌های پس از محمود میرزا همچون *اکسیرالتواریخ* در بازخوانی این جنگ‌ها، الگوی خود را همانند متون محمود میرزا، متن *مآثر سلطانیه* قرار دادند و متن *صاحبقرانی*، تنها در شیوه مجمل‌نویسی، سرمشق و الگوی برخی از آن‌ها مانند *اکسیرالتواریخ* قرار گرفت.

۶۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

منابع و مأخذ:

- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، **اکسیر التواریخ**، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن، ۱۳۷۰.
- امامقلی، **نسب‌نامه ایل قاجار**، نسخه خطی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- بامداد، مهدی، **شرح حال رجال ایران**، تلخیص ذبیح‌الله علیزاده اشکوری، تهران: فردوس، ۱۳۸۴.
- بهمن میرزا قاجار، **تذکره محمد شاهی**، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۱۰ ادبیات.
- جلالی، نادره، «رسالات محمود میرزا قاجار»، **آینه میراث**، ش ۱۲، بهار ۸۰.
- جهانگیر میرزا، **تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری)**، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکاء، ۱۳۲۷.
- خالندی، انور، «جستاری در نسخه خطی تذکره السلاطین محمود میرزا قاجار»، **فصلنامه پیام بهارستان**، سال ۴، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۰.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله، **تاریخ ذوالقرنین**، تصحیح ناصر افشارفر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- دنیلی، عبدالرزاق بیگ، **مآثر السلطانیه (تاریخ جنگ‌های ایران و روس) و ضمیمه تاریخ جنگ‌های دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین**، مصحح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
- دیوان بیگی شیرازی، سیداحمد، **حدیقه الشعراء**، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: زرین، ۱۳۶۶.
- رستگار فسایی، منصور، **انواع نثر فارسی**، تهران: انتشارات سمت، زمستان ۱۳۸۰.
- زرگری نژاد، غلامحسین؛ «خاوری شیرازی و تثبیت مکتب تاریخ‌نویسی استرآبادی»، **مجله تاریخ: ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**. سال دوم، شماره یکم، سال ۱۳۸۰.
- ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی، **احسن التواریخ (اخبار محمدی)**، به اهتمام غلامرضا مجد، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱.

ملاحظاتى در باب تاريخ نويسى شاهزاده‌هاى قاجارى ٦١

- سالور، سيما، «تاريخ نويسى شاهزادگان قاجارى، نمونه‌اى از نسب‌نامه ايل قاجار، نمونه‌اى از تاريخ نويسى»، **پيام بهارستان**؛ دوره ٢، سال ٢، شماره ٧، بهار ١٣٨٩.
- صفت گل، منصور، «تحول و تكامل تاريخ نويسى عمومى در ايران عصر صفوى؛ با تأكيد بر خلد برين (سال‌هاى ١١٦٥-١٠٣٨ هـ.ق.)»، **مجله دانشكده ادبيات و علوم انسانى دانشگاه تهران**، دوره ٥٩، شماره ١٨٨، سال ١٣٨٧.
- غفارى، ابوالحسن، گلشن مراد (تاريخ زنديه)، مصحح غلامرضا طباطبايى مجد، تهران: زرین، ١٣٦٩.
- قديمى قيدارى، عباس، تداوم و تحول تاريخ نويسى در ايران عصر قاجار، تهران: پژوهشكده تاريخ اسلام، ١٣٩٣.
- كوين، شعله. اى، **تاريخ نويسى در روزگار فرمانروايى شاه عباس صفوى**، ترجمه منصور صفت گل، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٨٧.
- لسان الملك سپهر، محمدتقى، **ناسخ التواريخ** (تاريخ قاجاربه)، به تصحيح و حواشى محمدباقر بهبودى، تهران: كتابفروشى اسلاميه، ١٣٤٤.
- لسان الملك سپهر، محمدتقى، **ناسخ التواريخ** (تاريخ قاجاربه)، به اهتمام جمشيد كيان‌فر، تهران: اساطير، ١٣٧٤.
- محمودميرزا قاجار، اخبار محمدى، نسخه خطى، كتابخانه ملى جمهورى اسلامى ايران، نسخه شماره ٢، به شماره بازيايى: ١٠٥٧٨-٥.
- محمودميرزا قاجار، **تاريخ صاحبقرانى**، نسخه خطى، كتابخانه ملى جمهورى اسلامى ايران، شماره بازيايى: ٢٥٣٤ف.
- محمودميرزا قاجار، **تذكرة السلاطين**، نسخه خطى، كتابخانه مركزى دانشگاه تهران، شماره بازيايى: ٧٤١٥.
- محمودميرزا قاجار، **مقصود جهان**، تصحيح هارون وهومن، تهران: گوهر منظوم، ١٣٨٤.
- محمودميرزا قاجار، **سفينه المحمود**، تصحيح و تحشيه عبدالرسول خيام‌پور، تبريز: مؤسسه تاريخ و فرهنگ ايران، ١٣٤٦.
- ميرزامهدى خان استرآبادى، **جهانگشاى نادرى**، به تصحيح سيدعبدالله انوار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگى، ١٣٧٧.

